



نقد دلسوزانه یا تخریب کینه توزانه!

روحانی رئیس جمهوری در آغاز هفته دولت و در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی گفت: «... دولت از انتقاد دلسوزانه استقبال و حمایت می‌کند، انتقاد از دولت پلاامعات است و حتی در دولت یازدهم و دوازدهم انتقاد از دولت بی‌هزینه و توأم با جایزه و تشویق بوده است»، رئیس جمهوری در ادامه سخنان خود و تفکیک «نقد دلسوزانه» از «تخریب کینه‌توزانه» اولی را سازنده و برای اداره و مدیریت کشور لازم و مفید دانست و دومی را اگرچه نام «نقد» به خود گرفته است، با این حال تخریب کینه‌توزانه، خواند و گفت: «... انتقاد بیهوده تنهایی کافی نیست و نیاز به دلسوزی هم داریم. نقد دلسوزانه غیر از تخریب کینه‌توزانه است، لذا پس از انتقاد همه باید برای اصلاح جامعه دست به دست هم دهیم و در این شرایط همدیگر را یاری کنیم تا به مقصد نهایی برسیم».

نقد، هم تعریف لغوی دارد و هم شرح مفهومی در ساحت زیست فردی و اجتماعی. حکایت این هر دو در تاریخ ما ایرانیان سابقه‌ای کهن دارد تا آنجا که بخش مهمی از فرهنگ روابط اجتماعی تا فلسفه و تاریخ اندیشه‌ورزی سیاسی و گذر حاکمیت‌ها و دولت‌ها را در بر می‌گیرد. در شرح لغوی نقد می‌توان به لغت‌نامه‌ها، مراجعه کرد. از آنجمله زنده‌باد دکتر معین در «فرهنگ فارسی» خود چنین شرح داده است: «نقد، جدا کردن دیوار و پیرامون، سره از ناسره، تمیزدادن خوب از بد، افتراق میان محاسن و معایب سخن و...» اما نقد بخش سطوبی مهم در تاریخ ادب فارسی دارد که برای آن این نشانه از مولانا و کتاب مثنوی معنوی او شاید مفید باشد.

«بشنوید ای دوستان این داستان

نقد حال خویش را گسری بر می

شرح مفهومی نقد، کتاب مفصلی است از گذر تاریخی هر ملتی که در اینجا به اختصار به شرح مفهومی آن در سیاست و سیاست‌ورزی می‌پردازم. در غرب و در سیر سیاسی و دولت مداری آنها، نقد سنجش دائمی است براساس تحول زمان و نیازهای فردی و اجتماعی جوامع، چنین سنجش و ارزیابی مستمر معطوف به «قدرت‌است».

از نگاه اندیشه‌س ورزان سیاسی، قدرت در تعریف درونی یا به اصطلاح ساختاری آن، قرین و همراه با فساد است. از راهکارهایی که می‌تواند قدرت را از فساد بازدارد، نقد است. نقدی که مدام می‌سنجد و با ارزیابی مستمر برنامه‌ها، مدیریت حاکم را تصحیح می‌کند. نقد بخش لاینفک سیاست و سیاست‌ورزی در غرب است، اما با نگاه به سیر تاریخ سیاسی غرب که تشکیل احزاب با تعریف «است»، «میان» و «اچپ» ساختار پیدا کرده است، قدرت سرمایه‌داری در این سیر تاریخی، بیکار و تنها نظاره‌گر نبوده است. همین قدرت «ثروت‌مند» یا نباشته یا بخشی‌های سرمایه‌دار (کالان) هم در شکل جدی قدرت و هم در چگونگی و جهت گیری نقد مرکب مدرنیستی، ساختاری دارند. در آمریکا تا حدودی در کشورهای اروپایی، سرمایه‌داران بزرگ بخصوص یهودیان صهیونیست و صاحب کمپانی‌های قدرتمند رسانه‌ای (جبری، سیاسی و تجاری) قدرت خرد و چگونگی نقد آن را تا حد انحصار به اختیار خود در آورده‌اند؛ اما در همین جوامع مراکز علمی و دانشگاهی، همچنین روشنفکران و نویسندگان آگاه همواره چراغ نقد را روشن نگه‌داشته‌اند و ادوکیهای نظری قدرت را به مردم نشان می‌دهند، به طوری‌که از مسیر نقدها و آگاهی مردم، حزب حاکم و مستقر در قدرت کنار زده می‌شود و جایجای می‌براسد ارائه برنامه‌های مورد قبول مردم از طریق انتخابات انجام می‌پذیرد. سیاست و سیاست‌ورزی از طریق قی زنده و پایدار بودن نقدها در دمکراسی که براساس تعریف احزاب و برنامه‌های آنها پیش‌کش گرفته است، هنوز برای جوامع غربی و متفکران آن‌ها مورد پذیرش است. تجربه تاریخ سیاسی این کشورها نشان می‌دهد که زنده ماندن نقد براساس باور به دمکراسی و رای مردم است.

در نظام‌های سوسیالیستی که حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی بنیاد و اساس آن را پایه‌گذاری کرد، نقد فقط در ارزیابی انحطاط سرمایه‌داری تعریف و توجه‌پذیر بود. بنسبند یاب نقد به این احساختار حاکمیت که خود را «دیکتاتوری پرولتاریا» یا طبقه کارگران در وسیع می‌نامید، منجر به نظام بنده‌ای شد که نفوذ موشد، اکنون هم در روسیه می‌چین، نقد تعریف باز ندارد و نقد مورد پذیرش است که حاکمیت آن را تأیید کند؛ اگرچه در دو دهه گذشته تصبره‌هایی بر دی باور و دیدگاه زده شده است، شرح توصیفی این تاریخ سیاسی نیازمند نوشته و مقاله دیگری است.

پیش این است که ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران در میانه این دو تعریف از نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی در جهان، در کجا قرار داریم؟ اما خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی با بیان این جمله که «زبان رای مردم است» مرصع‌الاری را بر اساس فرهنگ و باور توحیدی پایه‌گذاری کرد. بر این اساس و باور، نقد را باید ضامن حیات معقول در جمهوری اسلامی ایران دانست. مردم نباید قبول یا رای خود را از دست بدهند یا هم‌بدمست می‌آورند. نفس نقد مسدود در زوای فرسنگی و تعامل و گفتگو بهدمست می‌آید. اگر امروز از اقتصاد اجتماعی سخن در میان است و بسیاری از کاستی آن تا حد خطرناک برای مردم می‌کشند، باید به جایگاه نقد نگاهی دوباره کرد. آنگونه که رئیس جمهوری از تفاوت نقد دلسوزانه با تخریب کینه‌توزانه بدیده کرده است. باقی می‌ماند به نسبت نقد و آزادی که ملازم یکدیگرند و هر گونه تصحیح در روش اداره کشور از اقتصاد تا سیاست و فرهنگ بدون این دو، سالم نمی‌ماند و شکوفا نمی‌شود.

۱۵۰نماینده:تحریم «ظریف»

نشاندهنده سیاست فریبکارانه آمریکا ست

۱۵۰نماینده مجلس با صدور بیانیه اعلام کردند: تحریم ظریف، سیاست‌های دوگانه آمریکا در نشان آن می‌دهد که از یکسو مدعی مذاکره با ایران است و از سوسوی دیگر، عملاً دیپلماسی را تحریم می‌کند.

به گزارش مهر، در جلسه نوبت عصر دوشنبه مجلس بیانیه نمایندگان در حمایت از وزیر امور خارجه و محکومیت تحریم ظریف، سیاست‌های دوگانه ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد که از یکسو مدعی مذاکره با ایران است و از سوی دیگر، عملاً دیپلماسی را تحریم می‌کند.

اما مضائقه‌نگدان این بیانیه ضمن تشکر از دکتر ظریف، این اقدام نابخردانه آمریکا را به شدت محکوم کرده و به سـرمدمداران کاخ سفید و گروه مشـدار می‌دهیم ملت سرافراز ایران ثابت کرده است در برابر دشمنان ظالم همانند کوه استوار ایستاده، اقدامات جنگ‌طلبانه، خصـصانه و مغایر استیجاری ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی دانسته و بر این باوریم تحریم مجاهدواد ظریف مسئول بـودن تحریم خارجی ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی یکسو مدعی مذاکره با ایران است و از سوی دیگر، عملاً دیپلماسی را تحریم می‌کند.

«محمد جواد ظریف» در پایی در صفحه یوتیوب خود نوشت: «بعد از توقف در تهران به دنبال بازگشت از بیارتیز به منظور دیدن دادن هوایما، یاد اردکن شدم. روزهای مهمی پیش‌روست، اینجاچمن نقشه را ۱۵ساله به منظور اجرای مشارکت استراتژیک جوامعمان (با چین) و کمک فعالانه به طرح جاده و کمربند راه ارائه خواهیم کرد. زاین و مازنی مقصد بعدی سفرم هستند».

وی در بدو ورود به پکن هم در تشریح اهداف سفرش به بیارتیز فرانسه که میزبان بزرگاری نشست سـران گروه ۷ بوده است، توضیحاتی ارائه داد.

وی گفت : سفر به بیارتیز با دعوت وزیر خارجه فرانسه برای ادامه مشورت‌هایی بود که در هفته‌های گذشته بین رئیس جمهوری ایران و رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفت. روز جمعه در پاریس بسا رئیس جمهور ایران و وزیر خارجه فرانسه موضوعات را بررسی کرده‌بودیم، نیاز بود یک دور دیگر برخی نکاتی که لازم به توضیح با مذاکره بیشتر بود مخصوصاً مسائل بانکی و نفت بین متخصصان ما بررسی شود که یکپارچگی آن را در یک مذاکره فشرده تقریباً حدود چهار ساعت در بیارتیز بودیم.

طبق بیان کرد:همینطور فرضی پیش می‌آید که آخرین تحولات و همه‌نگاهی را با بیان مشاور نخست‌وزیر انگلیس و مشاور صدراعظم آلمان به عنوان سایر اعضای سه کشور اروپایی ضروری برجام مرتب کنیم و امیدواریم این مذاکرات در دیدار اجرای تعهدات اروپایی‌ها درباره برجام موثر باشد.

سخنگوی دولت گفت: سفر ظریف به پاریس برای مذاکره در باره نسبت پیشنهادی رئیس‌جمهوری فرانسه و تبادل نقطه نظر پیرامون آن و بیان انتظارات ایران از طرف‌های اروپایی بود.

به گزارش خبرنگار ما، علی ربیعی دیروز در نشست خبری هفتگی ، ضمن تریک هفته دولت، در باره سفر یکشنبه شب ظریف به پاریس همزمان با برگزاری نشست گروه هفت، گفت: این سفر در چارچوب نحوه اجرای تعهدات اروپایی‌ها به برجام انجام شده است و امیدواریم به زودی شاهد جع بندی مجدد مذاکرات در طرف دو گفتگوی ایحاد شده باشیم.

وی افزود: تقاضات برخی رسانه‌های خارجی در باره سفر ظریف به پاریس، متضانه از بر برخی رسانه‌های داخلی است که گفتند ایران توانسته است با موفقیت اقدامات دیپلماتیک خود را پیش ببرد و به اهدافش نزدیک شود.

آثار تحریم‌ها را کاهش می‌دهیم سخنگوی دولت با تأکید بر این که همه تلاش خود را به کار می‌گیریم که آثار تحریم‌ها را کاهش دهیم، اظهار داشت: این که ظالمانه این تحریم‌ها را علیه ملت ایران اعمال کنند باید این سیاست را ترک کنند و ما به هیچ وجه از رویکرد خود برنخواهیم گریخت.

ربیعی افزود:دولت در مرحله اول می‌خواهد تحریم‌ها را رفع و در مرحله دوم برای برطرف آثار سوء این تأثیر تلاش کند.

سخنگوی دولت درباره اظهارات علی

خویش، رئیس دستگاه دیپلماسی ایران را در فهرست تحریم‌های یکجانبه خود قرار داد. ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دکتر مجاهدواد ظریف مسئول بـودن تحریم خارجی ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی دانسته و بر این باوریم تحریم مجاهدواد ظریف مسئول بـودن تحریم خارجی ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی یکسو مدعی مذاکره با ایران است و از سوی دیگر، عملاً دیپلماسی را تحریم می‌کند.

اما مضائقه‌نگدان این بیانیه ضمن تشکر از دکتر ظریف، این اقدام نابخردانه آمریکا را به شدت محکوم کرده و به سـرمدمداران کاخ سفید و گروه مشـدار می‌دهیم ملت سرافراز ایران ثابت کرده است در برابر دشمنان ظالم همانند کوه استوار ایستاده، اقدامات جنگ‌طلبانه، خصـصانه و مغایر استیجاری ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی دانسته و بر این باوریم تحریم مجاهدواد ظریف مسئول بـودن تحریم خارجی ایران را زیان گویای ملت ریش ایران در مجامع بین‌المللی یکسو مدعی مذاکره با ایران است و از سوی دیگر، عملاً دیپلماسی را تحریم می‌کند.

«محمد جواد ظریف» در پایی در صفحه یوتیوب خود نوشت: «بعد از توقف در تهران به دنبال بازگشت از بیارتیز به منظور دیدن دادن هوایما، یاد اردکن شدم. روزهای مهمی پیش‌روست، اینجاچمن نقشه را ۱۵ساله به منظور اجرای مشارکت استراتژیک جوامعمان (با چین) و کمک فعالانه به طرح جاده و کمربند راه ارائه خواهیم کرد. زاین و مازنی مقصد بعدی سفرم هستند».

وی در بدو ورود به پکن هم در تشریح اهداف سفرش به بیارتیز فرانسه که میزبان بزرگاری نشست سـران گروه ۷ بوده است، توضیحاتی ارائه داد.

وی گفت : سفر به بیارتیز با دعوت وزیر خارجه فرانسه برای ادامه مشورت‌هایی بود که در هفته‌های گذشته بین رئیس جمهوری ایران و رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفت. روز جمعه در پاریس بسا رئیس جمهور ایران و وزیر خارجه فرانسه موضوعات را بررسی کرده‌بودیم، نیاز بود یک دور دیگر برخی نکاتی که لازم به توضیح با مذاکره بیشتر بود مخصوصاً مسائل بانکی و نفت بین متخصصان ما بررسی شود که یکپارچگی آن را در یک مذاکره فشرده تقریباً حدود چهار ساعت در بیارتیز بودیم.

طبق بیان کرد:همینطور فرضی پیش می‌آید که آخرین تحولات و همه‌نگاهی را با بیان مشاور نخست‌وزیر انگلیس و مشاور صدراعظم آلمان به عنوان سایر اعضای سه کشور اروپایی ضروری برجام مرتب کنیم و امیدواریم این مذاکرات در دیدار اجرای تعهدات اروپایی‌ها درباره برجام موثر باشد.

سخنگوی دولت گفت: سفر ظریف به پکن هم در تشریح اهداف سفرش به بیارتیز فرانسه که میزبان بزرگاری نشست سـران گروه ۷ بوده است، توضیحاتی ارائه داد.

وی گفت : سفر به بیارتیز با دعوت وزیر خارجه فرانسه برای ادامه مشورت‌هایی بود که در هفته‌های گذشته بین رئیس جمهوری ایران و رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفت. روز جمعه در پاریس بسا رئیس جمهور ایران و وزیر خارجه فرانسه موضوعات را بررسی کرده‌بودیم، نیاز بود یک دور دیگر برخی نکاتی که لازم به توضیح با مذاکره بیشتر بود مخصوصاً مسائل بانکی و نفت بین متخصصان ما بررسی شود که یکپارچگی آن را در یک مذاکره فشرده تقریباً حدود چهار ساعت در بیارتیز بودیم.

طبق بیان کرد:همینطور فرضی پیش می‌آید که آخرین تحولات و همه‌نگاهی را با بیان مشاور نخست‌وزیر انگلیس و مشاور صدراعظم آلمان به عنوان سایر اعضای سه کشور اروپایی ضروری برجام مرتب کنیم و امیدواریم این مذاکرات در دیدار اجرای تعهدات اروپایی‌ها درباره برجام موثر باشد.

سخنگوی دولت گفت: سفر ظریف به پکن هم در تشریح اهداف سفرش به بیارتیز فرانسه که میزبان بزرگاری نشست سـران گروه ۷ بوده است، توضیحاتی ارائه داد.

وی گفت : سفر به بیارتیز با دعوت وزیر خارجه فرانسه برای ادامه مشورت‌هایی بود که در هفته‌های گذشته بین رئیس جمهوری ایران و رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفت. روز جمعه در پاریس بسا رئیس جمهور ایران و وزیر خارجه فرانسه موضوعات را بررسی کرده‌بودیم، نیاز بود یک دور دیگر برخی نکاتی که لازم به توضیح با مذاکره بیشتر بود مخصوصاً مسائل بانکی و نفت بین متخصصان ما بررسی شود که یکپارچگی آن را در یک مذاکره فشرده تقریباً حدود چهار ساعت در بیارتیز بودیم.

«محمد جواد ظریف» در پایی در صفحه یوتیوب خود نوشت: «بعد از توقف در تهران به دنبال بازگشت از بیارتیز به منظور دیدن دادن هوایما، یاد اردکن شدم. روزهای مهمی پیش‌روست، اینجاچمن نقشه را ۱۵ساله به منظور اجرای مشارکت استراتژیک جوامعمان (با چین) و کمک فعالانه به طرح جاده و کمربند راه ارائه خواهیم کرد. زاین و مازنی مقصد بعدی سفرم هستند».

سخنگوی دولت درباره اظهارات علی

اخبار داخلی

دستور رئیس جمهوری به وزیر کشور برای ساخت خانه‌های استیجاری

دستور رئیس جمهوری به وزیر کشور برای ساخت خانه‌های استیجاری

دستور رئیس جمهوری به وزیر کشور برای ساخت خانه‌های استیجاری

کاپیتر ادامه داد: شهرداری‌ها به ویژه شهرداری

کلان شهرهای می‌توانند در قالب طرح‌های مشارکتی با سازندگان نسبت به تولید مسکن اقدام کنند، به این صورت که شهرداری اقدام به ارائه زمین و تولیدکنندگان پروژه‌ها را اجرا می‌کنند.

این نماینده مردم در مجلس دهم افزود: به نظر من تولید مسکن استیجاری نادره، اما کرده که او بوده که برگزار شد و در این نشست مجوزهای طرح تولید مسکن استیجاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت.نماینده مردم دورود و نوبی دغدغه مسکن در شهرستان خود را تیر در نامه ای به وزارت کشور، این نامه ساخت مسکن استیجاری را ابلاغ کرد، اقدامی که با استقبال شهرداری‌های کل کشور همراه بود.

وی با اشاره به رویکرد دولت برای تولید مسکن و اجرای طرح جامع ملی مسکن، افزود: یکی از محروهای این طرح، تولید مسکن استیجاری است که برای تحقق این مساله می‌توان از ظرفیت شهرداری‌ها برای تولید مسکن استفاده کرد.

استفاده کرد.

من با ماکرون [رئیس‌جمهوری فرانسه] صحبت کردم. من از هر آنچه این انجام می‌داد، مطلع بودم.» ترامپ همچنین در حالی که ایران از ابتدا اعلام کرد «ظریف هیچ برنامه‌ای برای دیدار با مقام‌های آمریکایی ندارد، اما کرده که او بوده که نخواست به با ظرفیت دیدار کند. طبق ادعای، «فکر کردم که خیلی زود است. گفتم نمی‌خواهم الان دیدار کنیم.» وی افزود: از نظر من، اقدام فرانسه به هیچ وجه می‌توانست نبوده است، به‌ویژه اینکه از من اجازه خواسته بودند. مکرون درباره تمایلیش برای دعوت از طرف من در صحبت کرد و می‌گوید من به او گفته ام که کار را انجام دهم.

ترامپ در ادامه مدعی شد که خواهان یک

«ایران خوب و قوی» است، نه یک ایران ضعیف و به دنبال تغییر نظام در این کشور نیست. رئیس‌جمهوری آمریکا همچنین ادعا کرد: می‌خواهم بار دیگر ایران را ثروتمند کنم. اما این کشور از بولی که دولت اوباما به آنها داده است، برای تأمین مالی تورریسم استفاده می‌کند.

وی با تأکید بر این که ایران نباید یک قدرت هسته‌ای باشد، گفت که هر توافق جدیدی با ایران به‌طور قطع دارای محدودیت زمانی و مدت مشخص خواهد بود.دولت فرانسه هم اعلام کرد که در حال حاضر زمان ممکن از طریق یک یادداشت سـران گروه هفت را در جریان سفر ظریف قرار داده است.

به گزارش ایسنا، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان روز دوشنبه گفت که سران گروه هفت در مسیر تلاش‌هایش برای پرهیز و جلوگیری از اوجگیری تنش‌ها با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، گام بلندی به پیش بر داشته‌اند.

به گزارش رویترز از بیارتیز فرانسه، مرکل پس از ملاقات سران هفت اقتصاد بزرگ جهان به خبرنگاران گفت: همه سران گروه هفت نه فقط ربه‌اره این که ایران یک کشور تسلیحات هسته‌ای نداشته باشد بلکه در این مورد که مذاکره تنها راه درست مسـتلبی به این هدف است.

مقتضی‌القول و توافقی دارند و ایالات متحده از مذاکرات کشور-ورزی اروپایی با ایران استقبال می‌کند. وی درباره مذاکرات با ایران افزود: نمی‌توانیم امروز بگوییم که نتیجه این مذاکرات ظرف هفت که دیدار وزیران امورخارجه برای فرانسه و در پاریز است. در ارتباط با نشست گروه‌هفت نداشته است.

مرکل گفت : همگی منابع زیادی در حل مسأله‌ات این ساله داریم، هر چند سهل و آسان نخواهد بود.

و شهرسازی اتمام مسکن در مناطق سیل‌زده است و جایگیری معاول آن رئیس جمهوری مبنی براین که اگر مذاکراتی منافع ملی را به همراه داشته باشد دریغ نمی‌کنیم، در پاسخ به این سؤال که آیا مذاکره با آمریکا در دستور کار قرار دارد یا خیر؟ تصریح کرد: صحبت آقای روحانی کلی است و به معنای این نیست که ما مذاکراتی را در دستور کار داریم.

ربیعی در پاسخ به این که، شما و آقای پدشپس همزمان با وزیر مطرح شد و بحث شرکت هواپیمایی ایران اتورور و مجموعه مغان بود. ربیعی افزود: آیا ژسنداد و انگاری شرکت ایران ربرو در حوزه افتخارات و انگاری دانسته‌اند و دستوران وزارت اطلاعات ما تأیید کرده‌اند که هیچ گفت‌وگویی وجود نداشته است.سخنگوی دولت بیان کرد: ممکن است که بعد از آن دوره، آن مشکلات برای بازار ارز به وجود آمده‌دولت که آن صورت نگرفته است، نمی‌توانید اثر تحریم‌ها را تأیید بگیرید.

سخنگوی دولت با بیان این که آموزش و پرورش شهاده شده بود مدراس زیر نظر کلاس سلیل زده هستند و این موضوع نباید مورد منتقه کمک‌بود.

سخنگوی دولت با بیان این که آموزش و پرورش شهاده شده بود مدراس زیر نظر کلاس سلیل زده هستند و این موضوع نباید مورد منتقه کمک‌بود.

ربیعی در بسـاره عدم پاسخگویی وزارت اطلاعات نسبت به مسـاله مازیار ابراهیمی نشان‌دهنده در آقای علوی در پاسخ حاضر خواهد شد و همه ابعاد مسـاله را شرح خواهد داد اجازه دهید خود وزیر ورود کند و پاسخ لازم را بدهد و اظهارات وی برای مجلس هم قابل انتشار خواهد بود.

سخنگوی دولت گفت: در دوران تحریم‌های بی‌سابقه ای قرار داریم، به طور مثال هیچ کس سابقه نداشته است که آمریکا این طور کشی ما را در پیوسته کند. البته این تهدید که امروز آمریکا با چالش مواجه شده نتیجه اقدامات همین دولت است. ما قدرت نظامی و منابع ملی را همزمان حفظ کردیم.

رفع موانع بازرگانی مسکن سیل زدگان ربیعی در پاسخ به سئوال خبرنگار ما درباره آخرین وضع بازرگانی مناطق سیل‌زده در سه استان گلستان، لرستان و خوزستان گفت: در زمینه مسکن، تعهدات وزارت راه

نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: ما در این زمینه شاهد تهدیدات

تجارت ناشی از تحریمات است.

بر اساس اس ۲۵ لایحه تجارت، در صورت نقض تعهدات اساسی قرارداد، متعهده می‌تواند رأس قرارداد را فسخ کند و این، مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات است.

بر اساس اس ۲۸ این لایحه اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ کند و طی مدت و به طریق متعارف معامله ای جایگزین متعقد کند، این تواف مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ اعلامی جایگزین در ناشی از این امر، هر خسارت دیگر ناشی از آن طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان دیده معامله جایگزینی متعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، می‌تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرای قرارداد از آن طرف دیگر مطالبه کند.

نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین با تصویب چند ماده از لایحه تجارت تلافی در قراردادهای تجاری را تعیین کرد.

به گزارش ایسنا، به موجب ماده ۴۴ این لایحه دلال می‌تواند در یک زمان برای چند طرف دلالی کند. در این صورت باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رای آنها شود آگاه کند. همچنین دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تعهدات ناشی از نقض خود است.

نمایندگان با تصویب ماده ۴۹ این لایحه مقرر کردند هر گاه اسناد معامله در حضور دلال امضا به و به وسیله او رد و بدل شود دلال ضامن اصالت اسناد معامله در مقابل اسناد مذکور است.

پایتم و بتوانیم مشکلات موجود را با همکاری دستگاههای مختلف و به پشتوانه تعلیمات دینی مرتع کنیم.

این فرهنگ را در جامعه بسط بدهیم. او ادامه داد: مشکل این است که در مجامع برای کودکان تصمیم‌گیری انجام می‌شود که خود آنها حضور ندارند و این که مسا کودکان را در رسمیت بشناسیم و موضوع حقوق کودکان را در سطوح شهری و کشوری مورد توجه قرار دهیم بسیار اهمیت دارد.

ایستار اصلاح سسن کپیری آسیب‌های موجود در خانوادهای ایرانی گفت: یکی دیگر از دغدغه‌های دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

دولت دوازدهم انسجام‌بخش خانواده

وزیر اطلاعات: ایران برای هیچ

کشوری تهدید نیست

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: وزیر اطلاعات تاکید کرد: ایران برای هیچ کشوری به ویژه کشورهای همسایه تهدید نیست.
حجت الاسلام والمسلمین سید محمود علوی در مراسم بزرگداشت ششدهای هفته دولت وشهیدان رنجایی و باهنر در مسجد مهدیه همدان افزود: جمهوری اسلامی اهل نعدای و تجاوز نیست ولی اگر مورد تجاوز عدوی قرار بگیرد، ما به شدت کوبیده جواب خواهد داد.
وی گفت:هفته دولت فرصت بسیار مناسبی برای تجدید استحکام پیوند بین مسئولان اهل خدمت دوباره در فصلی جدید از مجاهدات در خدمت به مردم است.

وزیر اطلاعات ادامه داد: مردم در مقابل تحریم‌ها وفشارهای اقتصادی مقاومت می‌کنند و امید دشمنن بر سسلطه بر چنین کشوری به یأس و ناامیدی تبدیل شده است.

او همچنین در جلسه شورای اداری استان همدان گفت: شهادت شهید رنجایی و باهنر مصادف هفتمه دولت شد اما و کسانی که در کرسی مسئولیت و خدمت تکیه زده‌ایم باید مطمئن شویم که پایه‌های این نظام برخون شهدا استقرارپیدا کرده است.

وی یسا تاکید بر این که هفته دولت فرصتی برای ارزیابی کارها و خدمات به مردم است، به دیدار اخیر اعضای هیات دولت با رهبر معظم انقلاب اشاره کرد و افزود: ایشان در این جلسه اظهار داشتند هفته دولت فرصتی برای ارزیابی کارها، بازسازی، بازنگری و تجدید انرژی و آفریدن فصلی نو در خدمت است.

او با اشاره به رفتار مسئولان با مردم، افزود: باید خود را به گونه‌ای بسازیم که در برخورد با مردم، خود را به عنوان یک خدمتگزار ببینیم. وزیراطلاعات با تأکید بر اینکه مدیران در معرض امتحان هستند وایاد در پیشگاه شهدا و خانواده شهدا جولابگو باشیم، افزود: این مردم شایسته خدمت هستند چرا که هرزمان که نیاز به حضور و از خود گذشتگی بوده است، مردم از هیچ سرمایه‌ای برای حفظ نظام درنگ نکرده اند.
شهادت جمعییت باحضور در گزارر شهادی گمنام، باآرمان‌های انقلاب و علوی تجدید پیوند کرد. دیدار با نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان از دیگر برنامه‌های وزیر اطلاعات در این سفر بود.

لگجایی کپی‌کاشه

رونمایی از آذادوری جدید در مشهد

سرویس شهرستان ها: سه محصول جدید شرکت داروسازی ثامن با حضور تلویت آستان قدس رضوی در مشهد رونمایی شد.

به گزارش آستان نوز، شرکت داروسازی ثامن وابسته به هلدینگ سلامت و داروی سازمان اقتصادی رضوی سه محصول جدید خود شامل «اسیدیم کلراید استنشاقی ۱۰درصد(سالیین هایپر تونیک)، «توسیم کلراید ۱۰درصد در آمپول ۰۰امیلی‌تری پلی پورسینی» و «فولوفکاساسین تزریقی» را در مراسمی با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مرتضی تولیت آستان قدس رضوی و جمعی از مدیران در این شرکت رونمایی کرد.

واکنش رئیس به سرقت مجسمه فیض‌امین پور

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران از ورود این پلیس به ماجرای سرقت سرسپ «فیض‌امین پور» در سعادت آباد خبر داد.
سردار علیرضا لطفی در گفتگو با ایسنا گفت: موضوع سرقت سرسپ فیض‌امین پور در منطقه سعادت‌آباد عصر پیرروز از طریق مسئولان سازمان زیرسازیی شهرداری به پلیس آگاهی اطلاع داده شد.وی گفت: پلیس به یکسری از افراد مظنون است اما آن که این افراد حتما سارقان مجسمه‌ها باشند،تحقیقات در این باره ادامه دارد.

حکم ۱۰ کار گر هفت تپه صادر شد

ایلنا: حکم دادگاه ده کارگر مجتمع تیشکر هفت‌تپه در شوش صادر شد.

بر اساس رای دادگاه ۹ نفر از کارگران به تحمل ۸ ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند که در پایان مدت تعیین شده توسط دادگاه به صورت تعلیقی خواهد بود و یک کارگر دیگر نیز از اتهام‌های مطرح برته شد.دادگاه این کارگران بیست و سوم مرداد امسال برقرار شد و پیش از این، هفت کارگر این مجتمع به هشت ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شده بودند. این حکم نهایی نیست و باید تجدیدنظر آید.

آلمان نخستین بانوی روزنامه‌نگار ایران در سمنان نصب می‌شود
سرویس شهرستان ها: مشاور شهردار سمنان از تلاش برای نصب آلمان مزین‌السلطنه مریم عمید سمنانی در ساختمان کارخانه نساجی سمنان که یکی

آگهی مناقصه عمومی

شرکت کارخانجات داروپخش (سهامی عام) در نظر دارد، تعداد یکدستگاه تنگه استستیل ۱۰۰۰۰ لیتری، را از اشخاص حقوقی واجد صلاحیت خریداری نماید.
کلیه متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه و بازپرداخت نمونه، از روز سه‌شنبه مورخ ۹۸/۶/۱۵ لغایت پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۱ به واحد حقوقی و قراردادهای شرکت واقع در کیلومتر ۱۱ اتوبان تهران کرج- خیابان داروپخش طبقه اول مراجعه نمایند.
تحويل پیش‌نماده‌ها در پاکت درسته‌است، با پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۱ در محل صورت خواهد گرفت.
برای شرکت در مناقصه، ارائه سپرده به میزان ۲۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال ضروری است.
گشایش پاکت‌های پیشنهادی این ساعت ۱۱ روز پس از مورخ ۹۸/۶/۲۳ در محل شرکت انجام خواهد شد.
هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه است.
سایر شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شرکت کار خانجات داروپخش

برگ سبز خودرو و کامیون رنگ آبی روغنی مدل ۷۷ به شماره پلاک ۵۳۰۵۹۶۸-۵۳
ایران ۱۱ و شماره موتور ۱۰۲۵۷۵۷۰۹، شماره شاسی ۰۰۷۵۸۵۶-۰۰۷۵۸۵۶
بهنام مهدی دهخداي کنندري مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده مجتمع کاشی میدسهای خاص ثبت شماره ۷۰

به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند:
مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت
۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن
۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت
۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس مید کیومرث ۱۴ میدان یزد ساعت ۵ صبح مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ صبح جمعه بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به موضوعاتی که در دستور کار مجمع آورده شده است بررسی و تصویب نمایند

که موضوعات دستور جلسه به شرح ذیل می باشد:

۱-از تغییرات که موارد و مسائیل و مسائل شرکت زیادت از دست مدیران و هیئتمندیره و کسانی که از کمیت و کیفیت شرکت باخبر هستند به صورت کتبی و شفاهی که در مجمع بیان نمایند و تحويل هیئت مدیره مجمع نمایند.

۲- گزارش بازرسان شرکت در خصوص عملکرد سال های قبل و خصوصا سال ۱۳۹۷

۳-بررسی صورت‌های مالی سالهای قبل
۴-تعیین هیئت مدیره طبق ماده ۱۱۲ قانون تجارت
۵-تعیین بازرسان شرکت

۷-تصویب روزنامه کثیرالانتشار
۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس مید کیومرث ۱۴ میدان یزد ساعت ۵ صبح مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ صبح جمعه بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به موضوعاتی که در دستور کار مجمع آورده شده است بررسی و تصویب نمایند

بازرس شرک سیدمحمد موسوی میدی

سرویس خبرنژئیس قسوه قضائیه بر ضرورت عدلانه ساختن نظام پرداخت حقوق در کشور تاکید کرد و گفت: تفاوت در نوع پرداخت‌ها سه فاکتور است که از حیث تجربه، توانمندی و تحصیلات یکسان هستند، به هیچ وجه قابل توجه نیست.

حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی در دیدار نمایندگان کمیسیون اجتماعی و کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی، همکاری و تعامل بین قوا را یک ضرورت اجتناب ناپذیر دانست و اضافه کرد: ما مجلس و دولت را در مبارزه با فساد کنار خود می‌بینیم و معتقدیم حساسیت در قوا برای مقابله با فساد باید مضاعف باشد زیرا هر گونه روابط ناسالم و فسادپر، توسعه یافتگی، امنیت، سرمایه گذاری و کارآفرینی مضر است.

او با بیان اینکه نباید اجازه داد امید مردم خوب، متدین و مخلص کشور، تبدیل به یاس شود، افزود: ما همگی ماوریت داریم به گونه‌ای عمل کنیم که یاس بر مردم عزیزمان عارض نشود.

پرداخت عادلانه حقوق

رئیس قوه قضائیه به موضوع لایحه مدیریت خدمات کشوری اشاره کرد و گفت:نظام پرداخت حقوق در کشور باید عادلانه شود. ما قائل به یکسان‌سازی حقوق‌ها نیستیم اما این حقوق افراد با مدارک تحصیلی، تجربه و توانمندی یکسان به این میزان متفاوت باشند، برای هیچکس قابل توجه نیست. لذا عدلانه و عادلانه پرداخت به عدالت در نظام اداری ما کمک می‌کند. رئیس با اشاره به دشواری کار

از قدیمی‌ترین کارخانه‌های کشور است، خبر داد.

به گزارش ایسنا، مریم عمید سمنانی، مشهور به مزین‌السلطنه که از او به عنوان نخستین بانوی روزنامه‌نگار ایران یاد می‌شود، اهل سمنان و مدیر مسئول نشریه «شکوفه» از نشریات تأثیرگذار در تاریخ مطبوعات کشور بوده است. وی همچنین دو مدرسه ویژه بانوان را در تهران راهاندازی کرده و از اعضای انجمن همت خواتین در آن دوره بوده است.

ساختمان تاریخی شورای شهر و یا کارخانه ریسمان‌ریسی در مرکز شهر سمنان واقع شده است و امروزه یکی از نمادهای بزرگ و مهم صنعتی سمنان محسوب می‌شود. کارخانه نساجی پارس که در دهه نخست قرن حاضر بنا شد یکی از نخستین کارخانه‌های کشور است که حدود یک قرن قدمت دارد.

برج کارخانه در سال ۱۳۹۷ در فهرست آثار ملی ثبت شده است. سیمه قاسمی، مشاور شهردار سمنان در جلسه نصب المان بانو عمید در شهرداری سمنان، اظهار داشت: نصب این اثر حجمی از بانو عمید در نخستین کارخانه آستان سمنان که اکنون از آن به عنوان شورای شهر سمنان استفاده می‌شود، نمونه به موافقت اهالی شورای شهر سمنان است.

دستگیری دزد جواهر ۱۵ میلیاردتومانی در غرب تهران

سرویس حوادث: فردی که با همکاری دو نفر دیگر هنگام معامله صوری برای خرید یک قطعه جواهر ۱۵۰امیلیاردیالی اقدام به زورگیری آن از صاحب جواهر کرده بودند ، دستگیر شد.

ماوران کلاتری درآورد در طریق مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ خبر شدند که یک قطعه جواهر به ارزش چندین میلیاردتومانی از مردی ۵۲ ساله در محدوده خیابان جوزانی غرب تهران به شیوه زورگیری مورد سرقت قرار گرفته است.

با حضور ماوران در محل شکای گفت که یک مدال با قطعه جواهر زمرد ۰۱۰۰۱قریاطی و الماس و یاقوت زرد طلای ۱۸عیار از وی به سرقت رفته است.

ماوران با استفاده از شیوه و شگردهای پلیسی موفق شدند مخفیگاه یکی از سارقان را در محله نواب شناسایی کنند که با هماهنگی مقام قضایی به این محل رفتند و سارق را دستگیر کردند. همچنین در بازسازی از محل قطعه جواهر سرقتی که بر اساس بازآورد ه بیش از ۱۵۰امیلیارد ریال قیمت داشت کشف شده و به مالباخته تحویل داده شد.
تحقیقات برای دستگیری دو متهم دیگر این پرونده ادامه دارد.

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند
آقای سیدمهدی حسینی ۱۳ ساله فرزند سید شهاب قاضی‌تد دوداه
است که از منزل خارج شده و مفقود گردیده
است از کسانی که هر نوع اطلاعاتی را نامبرده دارد نتوانند اسناد مناقصه و بازپرداخت نمونه، از روز سه‌شنبه مورخ ۹۸/۶/۱۵ لغایت پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۱ به واحد حقوقی و قراردادهای شرکت واقع در کیلومتر ۱۱ اتوبان تهران کرج- خیابان داروپخش طبقه اول مراجعه نمایند.
تحويل پیش‌نماده‌ها در پاکت درسته‌است، با پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۱ در محل صورت خواهد گرفت.
برای شرکت در مناقصه، ارائه سپرده به میزان ۲۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال ضروری است.
گشایش پاکت‌های پیشنهادی این ساعت ۱۱ روز پس از مورخ ۹۸/۶/۲۳ در محل شرکت انجام خواهد شد.
هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه است.
سایر شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.

۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید
۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.
۳-تعیین بازرسان شرکت
۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن
۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۷-تصویب اسنادنامه شرکت
۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

شرکت کارخانجات داروپخش (سهامی عام)

شرکت سیمان خرد در نظر دارد عملیات استخراج (شامل بازسازی‌ها یا پیکور) با گریز و حمل حدود ۶۰۰۰۰۰ تن سنگ آهن کهن تخت آسمن صرفی از معدن دوز از طریق مناقصه به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید.
لاگارید اسناد مناقصه مذکور عمومی است درصورت بازدید مکن و کسب اطلاع از جزئیات آن به محل کارخانه واقع در کیومرث ۷۰ میدان یزد- رستخیز تهران-لوشان مراجعه و جهت دریافت اسناد مناقصه و بازپرداخت نمونه، از روز سه‌شنبه مورخ ۹۸/۶/۱۵ لغایت پایان وقت اداری و باقی‌بافت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۹۸/۶/۲۳ در محل شرکت انجام خواهد شد.
هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه است.
سایر شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.

۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۲-بحث و بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

۳-تعیین بازرسان شرکت

۴-بحث و بررسی در خصوص مسائل حاد شرکت و تصمیم گیری راجع به آن

۵-تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۷-تصویب اسنادنامه شرکت و جایگزین نمودن اساننامه جدید

۸-به اطلاع کلیه سهامداران مجتمع کاشی مید می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت در محل کارخانه به آدرس میدان کیومرث ۷۰- میدان یزد ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ بنا به دعوت تعدادی از سهامداران که متقاضی بالای ۲۰ درصد می باشند و همچنین تقاضای بازرس بنا به تقاضای امضاکنندگان تشکیل می گردد و دستور جلسه به شرح ذیل می باشد.
۱-بررسی اسنادنامه شرکت و جایگزین نمود



بزرگداشت حسین آهی
شوریده‌ای همیشه با
یک تی شرت ساده



۵۰۵

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

سه‌شنبه ۵ شهریور ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۳۶۴



مادرانگی و شاعرانگی؛ تصویری دلنشین از یک زوج سالمند

گلاب آدینه و شمس سگرویدی در دوباره زندگی



● محمدرضا حیدرزاده

نگاهی به رمان «پشت چله خانه شیخ صفی»، نوشته ساناز حاجی محمدحسینی

اشک باد در صدای نی

رو بگیرم تا بهش خیره نشم.....

همسن و سالای من همه ازدواج کرده بودن و حالا خانوم جانم به عجله افتاده که هر چه زودتر دست منو هم بند کنه؛ غافل از این که من دلم بند به دختر دیگه ای شده..... همین جور غرق فکر کردن بودم که کمال آکاردئونو گذاشت بغلم. چشمامو بستم و با صدای ساز پرت شدم به اون روز برفی عجیب و شروع کردم به خوندن:

کوجه هارو آب پاشیده ام، تا وقتی یارم می آید گرد و خاکی بلند نشود. طوری بیاید برود، که هیچ حرف و حدیثی در میان نماند. سماور را روشن کرده ام، قند را در استکان انداخته ام، یارم رفته و من تنها مانده ام، چه قدر خاطر یار عزیز است. چه قدر خاطر یار شیرین است.....

صبح روز پس از شب چهارشنبه سوری، خانوم جان، منو بیدار کرد: عباسقلی، بلند شو دیر می شه. سر راحت منو تا بالای پل برسون می خوام برم «نو اوستی» (مراسم سنتی پریدن توی آب در آخرین چهارشنبه سال).

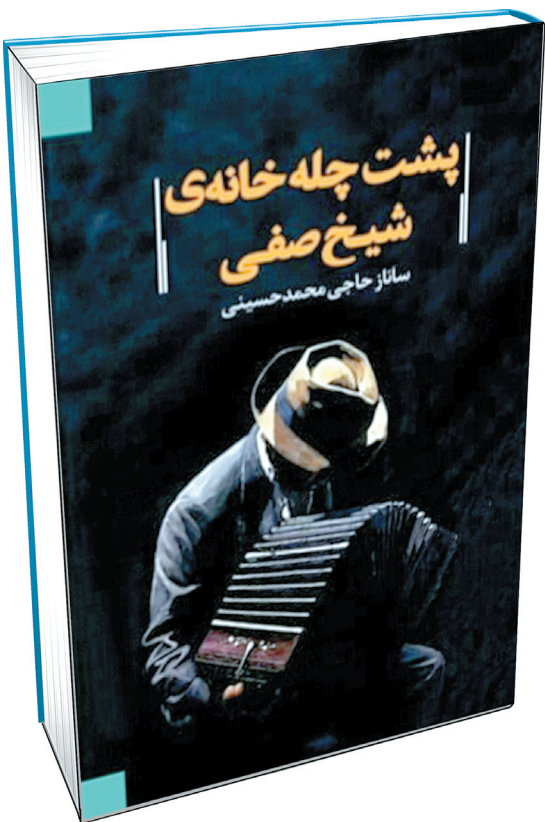
بعد خوردن صبحانه، همه وسایلی رو که خانوم جان جمع کرده بود برداشتم و راه افتادیم. وقتی رسیدیم پل هفت چشمه، غوغایی برپا بود و همه مشغول انجام رسم و رسوم هایشون بودن. خانوم جان دو تا کوزه آورده بود، یکی رو شکست و دیگری رو رفت پر آب بکنه. به قیچی به دستم داد و گفت: یادت نره، سه بار باز و بسته کن بذار مشکلات قیچی بشن.

گفتم: خانوم جان نگرهش دار خودم ازت می گیرم. غرغر کنان رفت کنار آب. من هم کناری ایستادم که حس کردم نگاه به نفر روم سنگینی می کنه. سرمو که بلند کردم، نگاه معصومانه دختر جوانی رو دیدم که کنار پیروز بغلیش جلوه عجیبی داشت. دقیق تر شدم، یا خدا. همون دختر زیبای روز برفی! انگار اونم منو شناخته بود. احساس کردم پاهام از زمین فاصله گرفتن، صاحب همون چشمای سیاه و حالت دار بود.

سروش انداخت پایین، باز زیریر کی، یکی دو بار نیم نگاهی به من انداخت. جسارت عجیبی بهم دست داد، سرمو بلند کردم و مستقیم به چشمش خیره شدم. انگار همه چیز از حرکت ایستاده بود. فقط خودمو و اونو می دیدم. انگار با نگاهی با من حرف می زد. احساس می کردم زانو هام می لرزه. هر پلکی می زدم، با تشنگی بیشتری غرق تماشاش می شدم. بنضم تند تند می زد و دلشوره شیرینی وجودمو پر کرده بود.

یکباره صدا اومد: عباسقلی، کوزه پر آبه، سنگینه، خانوم جان نمی تونه بلند کنه.....

خودمو رسوندم به خانوم جان و کوزه رو از دستش گرفتم، کناری گذاشتم و گفتم: خانوم جان، قیچی رو بده زود برم، تازه باید هفت بار پل رو برم و برگردم.....



سوز و سرما از درز در و پنجره ها توی

اتاق می پیچید. ذغال کرسی تموم شده بود، صورتی یخ کرده بود و پاهام نیمه گرم بود. خواهرای کوچکترم که کنارم خوابیده بودن، زیر لحاف از سرما محاله شده بودن. چله بزرگه شروع شده بود و برفای حیاط رو بایام پارو و کنار دیوار تلنبار کرده بود.

مادرم را شایا صدا می کردم، در فصل سرما کاموا می بافت و به مردم می فروخت و کمک خرج پدرم بود. از وقتی یادم می آد شایا همیشه با بچه بغلش بود یا باردار و همیشه حسرت پسر به دل داشت



و سرکوفتای پدر رو تحمل می کرد.

دختر بزرگ خانواده من بودم. نجیبه، اختر، اقدس و رباب از من کوچکتر بودند. توی حیاط مون چهار تا اتاق و یه مطبخ داشتیم. مادر بزرگ به هر پسرش اتاقی داده بود و خودش هم توی یه اتاق تنها زندگی می کرد. زن عمو هایم یکی در میان پسر می زاییدند و دختر عموها هر موقع توی بازی کم می آوردند به جان برادرشون قسم می خوردند. خلاصه اینکه زندگی ما کند و سخت می گذشت....

رمان «پشت چله خانه شیخ صفی»، نوشته ساناز حاجی محمدحسینی، توسط انتشارات هزاره ققنوس منتشر شده است.

محله شیخ صفی در اردبیل، عمری به قداست تاریخ دارد. ساکنان این محله، روزگاری از گذشته را در این رمان روایت می کنند و نویسنده به زیبایی، قصه ای از عشق میان دختری به نام مارال و یک نوازنده به نام عباسقلی را شرح می دهد که آوازه آن، کم کم محله تا پشت چله خانه شیخ صفی را در بر می گیرد. آن هم در وانفاسی گذار جامعه از سنت به تجدد....

ساناز حاجی محمدحسینی، سال ۱۳۶۰ در شهر اردبیل متولد شد. فعالیت هنری خود را با کلاس های نقاشی و نویسندگی آغاز کرد. پس از ورود به دانشگاه در دوره های ادبیات خلاق هم حضور پر تلاشی داشت تا اینکه در رشته مدیریت، موفق به کسب مدرک کارشناسی شد.

ساناز حاجی محمدحسینی با نوشتن رمان «پشت چله خانه شیخ صفی» نشان داد که از قلم خاصی در توصیف موقعیت و فضا سازی ذهنی برخوردار است و آینده خوبی پیش رو دارد.

در ادامه این رمان و از زبان مارال می خوانیم: هر روز قبل از ناهار، وظیفه من خریدن شیر از زن مش غلام، خجسته خاله، بود. چند تا لباس روی هم پوشیدم؛ گیوه ای که مادر بزرگم با پنج میل بافته بود را پام کردم که برم. دونه های برف کم کم می بارید و روی همه چیز و همه جا نشست. بود. پاهام چنان تو برف فرو می رفت که به زحمت قدم بر می داشتم. دیگه داشتم نزدیک می شدم، به کوچه تنگ و باریک رو هم رد می کردم می رسیدم به خونه خجسته خاله.

با صدای خرخر برف متوجه شدم دو نفر پشت سرم هستن. احساس کردم دارن نزدیک میشن. خودمو در حال دویدن دیدم که پاهام لیز خورد و ظرف شیر از دستم به هوا پرت شد؛ بی اختیار پشت سرم رو نگاه کردم؛ دو جوانک بی ریخت.

درست در همین موقع مردی رسید و از پشت لگدی به یکی از آنها زد. پسر روی برف غلتید. دوباره بلندش کرد و یقشو گرفت و با مشت، محکم طوری به صورتش کوبید که دلم خنک شد. اون یکی فرصت رو غنیمت شمرد و پا به فرار گذاشت. با صدای مرد غریبه نگاهم به عقب برگشت. خم شد و ظرف شیر رو از زمین برداشت و به دستم داد.

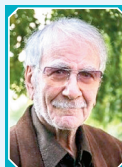
با صدایی که به سختی از گلویم در میومد، از تشکر کردم. پالتوی مشکی و کلاه امیریش نشون از نجیب زادگیش می داد. وقتی دید که من خیلی ترسیدم ازم خواست تا به مسیری منو همراهی کنه. اول خواستم بگم نه، ولی ته دلم به چیزه دیگه می گفت. ظرف شیر رو هل هلکی ازش گرفتم و راه افتادم اما اون هنوز همون جا ایستاده بود. گفتم: زحمتتون می شه، خونه مون دو کوچه پایین تره خودم میرم.

سروش رو انداخت پایین و گفت: مسیر منم همون جاست. من جلو میرم، شما هم پشت سرم بیا. نفس راحتی کشیدم؛ این جوری خیلی بهتر بود. دیگه کسی هم حرف در نمیآره. همین جوری که جلوی من راه می رفت، منم فرصت داشتم خوب براندازش کنم.

دستاشو توی جیب گذاشته بود. چنان صاف و محکم قدم بر می داشت که منو یاد ملک ممد قصه های مادر بزرگم می انداخت. نمی تونستم جلوی خودم

با دکتر دینانی در جهان مولانا

۴۰



کیمیای عشق

کریم فیضی

وحدت انسان

نشان دادنی نیست، بلکه آن را اندازه گیری می کنند و بالا و پایین آن را ثبت می کنند ولی اندازه غیر از نشان دادن صداست. سؤال این است که صدا کجاست و از کجا می آید؟

من با شما مخالف نیستم ولی همین که می توان صدا را اندازه گرفت؛ یعنی امکان احاطه داشتن بر آن. در مورد صدا و حروف ممکن است به شما بگویند که ما می توانیم اندازه بگیریم، اما سؤال اصلی این است که: این صوت - که شما اندازه گیری اش می کنید - فقط صوت است یا القاء معنی می کند؟ درباره معنی چه می گویند؟ آیا معنی را هم می توانید اندازه گیری کنید؟ شما که صوت را با فرکانس اندازه می گیرید و می فرستید به اقصی بلاد عالم، بیاید معنی را هم اندازه بگیرید. کجاست متری که معنا را اندازه بگیرد؟ به عبارت دیگر: کلام، معناست یا لفظ است و صوت؟ اگر معناست، چگونه آن را نشان می دهید؟ ما صوت را می شنویم و صوت از گوش بر ما وارد می شود، اما معنی از کجا می آید و وارد وجود ما می شود؟

معنا هنوز به عنوان یک لایه ناشناخته وجودی ذهن های بزرگ را گیج و متلاطم کرده است. اجازه بدهید برگردیم به معنای وحدت انسان.

هیچ جزئی از اجزاء انسان از او پنهان و مستور نیست. علت این موضوع وحدت موجود بین تن و جان است. جان و تن، یک چیزند در دو مرتبه. انسان در مرتبه ای مجرد است، در مرتبه ای مادی است. در مرتبه ای طبع است و عقل، و در مرتبه ای روح است و در مرتبه ای نفس است و در مرتبه ای خفی است و در مرتبه ای اخفی است که مقام سرّ است.

البته مقام سرّ خودش جزء مراتب هفتگانه است. پس باید بگوییم اخفی، مقام سرّ السّرّ است. حاصل اینکه تن و جان ما نسبت به هم علم و آگاهی عینی دارند.

نفس، تن خود را می شناسد و تن نفس خود را به درستی می شناسد. من با استفاده از همین موضوع، سالها پیش کتاب «معاد از نظر آقاعلی مدرس زنوزی» را نوشتم که متأسفانه خوانده نشد و اگر هم خوانده شد، فهم نشد. آقاعلی مدرس که من او را بزرگترین حکیم بعد از ملاصدرا تا امروز می شناسم، با توجه به این نکته، معاد جسمانی را ثابت کرده است. بر این اساس، مفارقت نفس از بدن، یاوه ای بیش نیست. نفس چگونه می تواند از بدن مفارقت کند؟ مگر نفس مرغ است که تن برایش قفس باشد و بعد با باز شدن در قفس پر بشکند برود؟ کجا برود؟ این حرف می تواند اسباب خنده هر طفلی باشد.

در واقع، مبنای معاد جسمانی این است که: هیچ تنی هرگز از نفس خودش جدا نمی شود.

و برعکس، هیچ نفسی هم از تن خودش جدا نمی شود. این روح معاد جسمانی است که آن را نمی فهمند. خاکی که در بهشت زهرا زیر پای عابران قرار می گیرد، خاک نیست، خود مرحوم تقی و نقی است که از دنیا رفته اند. می توان گفت که خود تقی و نقی آنجا هستند و نباید رویشان پا گذاشت. چشم ما نمی بیند و الا تقی و نقی دقیقاً خودشانند و خودشان خاک خودشان را می شناسند. روح تقی و نقی در هر کجای عالم که باشند، خاک و نفس خودشان را می شناسند. به همین جهت، حکیم زنوزی می گوید: این عالم، هم خودش است، هم غیر خودش. مرزی بین دو عالم وجود ندارد.

این همان اشتباهی است که درباره متافیزیک روی داده است.

مشکل همین جاست. اشخاص فکر می کنند که آنسوی فیزیک متافیزیک است و باید ببریم تا به متافیزیک برسیم.

ادامه دارد



دلنوشته های آهان آهان دار
محبوب صالح علا

۸۵

از زندگی می‌ترسم!

محبوبیم! از زندگی می‌ترسم. بعد از شما امید به نسیم است و شقایق‌های کوهی و کولیان در راه اسبان کهر من باید از وسط حوادث بی‌شماری عبور کنم. حوادثی که تصور هر یک از آنها آدمی را زیر و رو می‌کند.

من خودم هرگاه به آینده فکر می‌کنم دچار دل‌پیچه می‌شوم. هراس من از خدای بدی است و آینده، ماه‌ها، فصل‌ها و سال‌های دلهره‌آور. و گرنه ما مردم شاد و آرام و نجیبی هستیم. کار می‌کنیم. برخی مهندس کشف آب‌های روشن و زلال در زیرزمین هستند. آنها با چوبی که سرش دو شاخه شده روی زمین‌های سرزمین‌مان راه می‌روند و چوب را روی زمین می‌کشند. هر کجا چوب لرزید آنجا آب است. هرگز اشتباه نمی‌کنند.



محبوبیم! ما به یاد تو از دامنۀ کوه‌ها، از بلندی‌های دوردست آب‌ها را به آبادی می‌کشانیم. ما قنات‌های زیادی درست کرده‌ایم. دانه‌ها را می‌شناسیم. بلدی رودخانه را به هرجا بکشانیم. آیین ما نیکی و شادی و ستایش خداوند توست. ما مردمی هستیم که بلدی چگونه نان بپزیم و با ماهی و مرغ و خروس چه رفتاری داشته باشیم که آنها هم در معاشرت با ما شادمان باشند و از این معاشرت بر خود ببالند.

همسرانمان را دوست داریم و دختران و پسران‌مان را در آفتاب بزرگ می‌کنیم. ما چشمی به سرزمین و قلمرو دیگران نداریم. اما گاهی خدایان بدی و تاریکی و جنگ، در شب‌های سرد و برفی زمستان بی‌هنگام، وقتی کودکانمان در خوابند و مردها یک دستشان را زیر سر محبوبشان بالشت کرده‌اند، به آبادی ما یورش می‌آورند.

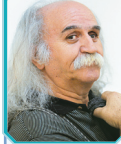
ما مجبوریم دفاع کنیم و آنها را تا سرزمین‌هایشان دنبال کنیم و برای جلوگیری از گستاخی خدایان بدی آن سرزمین آسمانی و پاک خود ضمیمه کنیم. جوری که آب و باد و آتش و دریا و آبادی خانواده شوند.

محبوبیم! دو نفر که همدیگر را نمی‌شناسند، می‌جنگند و مقتول می‌شوند؛ به خاطر دو نفر که همدیگر را می‌شناسند. در آینده آنها که همدیگر را نمی‌شناسند، نمی‌جنگند و جنگ آنها که یکدیگر را می‌شناسند با بوسه و ناز است، نه با هواپیمای بی‌سرنشین و موشک‌های بی‌نام و نشان.

محبوبیم! حالا که این نامه را برایت می‌نویسم روی کشتی نشسته‌ام و روی امواج خروشان دریای احمر زیر نور مهتاب به تو فکر می‌کنم. از سرزمینی که مدت‌هاست زبان خود را گم کرده و به آن کشور مصر می‌گویند برمی‌گردم.

من با این که لباس‌های خودمان را دوست دارم به خاطر تو جامه‌های مصری پوشیده‌ام، فقط برای تو. مصریان مردمی سبزه‌روی با قامتی بلند و کشیده و چشمان زیبا هستند. به زبانی که من نمی‌فهمم با یکدیگر حرف می‌زنند.

رودخانه بزرگی که بزرگترین دارایی‌شان است، از میان زندگی‌شان می‌گذرد و کمی دورتر چندین ساختمان هندسی سنگی دارند که می‌گویند خدایانشان ساخته‌اند. من می‌خندم چون عقیده دارم، هر چه روی زمین ساخته می‌شود، کار دست و فکر آدمی است.



حسن فرامرز

واکاوی سرگذشت واقعی رادیو ۱۵

بنیانگذار کیهان در کنار نخستین نویسنده رادیو ایران



عبدالرحمن فرامرزی

پذیرا شد. حائری زاده او را به همکاری با دیکتاتوری رضاشاه و سانسورچی شهربانی بودن و همچنین قاچاق در بنادر جنوب متهم کرد. با این حال اعتبارنامه او با تنها یک رأی مخالف، به تصویب رسید.

حائری زاده، یکی از نمایندگان بود که هرگز آن زمان تصور نمی‌کرد که به فاصله چند ماه مجبور شود در کنار اقلیت مجلس که خودش آنها را فاسد و درباری و انگلیسی می‌خواند، بنشیند تا بتواند با خطری بزرگتر که بزعم او دیکتاتوری مصدق بود، مبارزه کند.

اوج این درگیری‌ها در هنگام انتخابات هیأت رئیسه مجلس در تیرماه ۱۳۳۲ بود که جادش‌گان از جبهه ملی در ائتلاف با نمایندگان مخالف دولت، تلاش کردند آیت الله کاشانی را بار دیگر به ریاست مجلس برگزینند. حال آنکه نظر مصدق بر انتخاب دکتر عبدالله معظمی بود. با پیروزی شکستنده جبهه ملی و انتخاب دکتر معظمی، عبدالرحمن فرامرزی در خطابه‌ای بر جایگاه مجلس تأکید کرده و به انتقاد از رویه عوامگرایانه مصدق پرداخت.

او در نطق خود گفت: «مجلس بزرگترین جلسه مملکت است. بزرگترین محفل مملکت است. این است که رئیس مجلس هم بزرگترین رئیس جلسه مملکت است و چون مجلس نماینده ملت است، پس می‌شود گفت رئیس مجلس، رئیس ملت است. این که گفتم مجلس نماینده ملت است، برای این که رفع این غلطی را بکنم که در ایران رایج است که می‌گویند ملت چه می‌گوید؟

ملت یعنی مجلس شورای ملی که نماینده ۲۰ میلیون جمعیت است. ملت عبارت از ۵ هزار نفر یا پنجاه هزار نفر که در یکجا اجتماع می‌کنند نیست. اگر باشد (نمی‌خواهم توهین به یک ایلی بکنم)، مثلاً ترکمن‌های سابق که شاید ۵۰۰ هزار نفر بوده‌اند و برخی از آنها راه می‌زدند، کار آنها بجا بوده؛ برای این که ۵۰۰ هزار نفر جمعیت بوده‌اند. در تمام دنیا ملت در انتخابات آنها دخالت کرده‌اند.

به این جهت در تمام دنیا رئیس مجلس از حیث معنی محترم‌ترین فردش است. حتی در انگلستان، من خودم بودم که وقتی نمایندگان مجلس انگلیس که معروف است انگلستان مادر دموکراسی دنیا است، یک خطی دارد در مجلس که هر نماینده وقتی که می‌آید توی مجلس، به رئیس تعظیم می‌کند. وقتی هم می‌رود بیرون، تعظیم می‌کند و در واقع تعظیم می‌کند به این مقامی که فداکاری‌ها کرده و خون‌ها داده تا آن را پیدا کرده...

مقصودم این است که ما نظرم‌ان همین است که احترام مقام ریاست و احترام مجلس را نگه‌داریم و از رئیس هم انتظار داریم که بهمان اندازه احترام مجلس را نگه‌دارد و فقط یک نکته را تذکر می‌دهم. در آن روزی که بین دو نفر از آقایان نمایندگان دعوا شد، حرف شد، خیلی تکیه کردند روی اینکه فلان نماینده توهین کرده، ولی اشاره نکردند که تماشاچی‌ها با فحش مجلس را به لرزه درآوردند.

در تمام دنیا، و کلاً به همدیگر توهین می‌کنند، به همدیگر می‌پزند. اصلاً در بعضی

در شماره‌های قبل، از مرحومین حسینقلی مستعان و محمد حجازی به عنوان نخستین نویسندگان رادیویی یاد کردیم، اما هنوز چهره‌های نامدار دیگری را باید در صف این نخستین‌ها قرار بدهیم که یکی از آنها «عبدالرحمن فرامرزی» است که در عالم رسانه همیشه از او به عنوان بنیانگذار و نخستین سردبیر روزنامه کیهان یاد می‌شود.

اما واقعیت این است که او نیز یکی از اولین نویسندگان برنامه‌های رادیو ایران بود و هنگامی که رادیو ایران فعالیت خود را آغاز کرد، او از جمله کسانی بود که به نوشتن مطالب سیاسی و تحلیلی روز برای رادیو ایران مشغول شد.

عبدالرحمن فرامرزی کی بود؟

عبدالرحمن فرامرزی، زاده ۲۱ مرداد ۱۲۷۶ شمسی در روستای گچویه، دهستان فرامرز، در منطقه بستک از توابع استان هرمزگان و در گذشته ۲۰ تیر ۱۳۵۱ در تهران است.

گرچه از وی همواره به عنوان روزنامه‌نگار و سیاست‌مدار ایران یاد شده است، اما او نویسنده و استاد دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری و مؤسس و مدتی سردبیر روزنامه کیهان بود. او به همراه برادر بزرگ خود احمد فرامرزی، چند دوره وکیل مجلس شورای ملی بود و نامه‌های اعتراضی‌اش در روزنامه کیهان آن روزگار در مورد غائله آذربایجان، خطاب به جعفر پیشه‌وری در کتابی به نام «استاد فرامرزی و قضیه آذربایجان» گردآوری و منتشر شده است.

پدر وی شیخ عبدالواحد نام داشت. در سنین جوانی عازم کشور بحرین شد و در مدارس آن کشور به تحصیل علم پرداخت و پس از مدتی دوباره به زادگاه خود برگشت. سپس به تهران کوچید و در آنجا به مراتب بالا رسید و از مشاهیر روزنامه‌نگاران آن دوران شد و هنگامی که نگاهی به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او بیندازید، پی خواهید برد که مجموعه نویسندگان اولیه رادیو ایران، چه غول‌های قدری در حرفه خود بوده‌اند. (درست عین الآن!)

آن نطق آتشین فرامرزی

فرامرزی در مجلس هفدهم که اکثریت آن و دولت در اختیار جبهه ملی بود، در فراکسیون اقلیت به مخالفت با دکتر مصدق پرداخت. در هنگام تصویب اعتبارنامه‌اش در خرداد ۱۳۳۱ شدیدترین حمله را از طرف ابوالحسن حائری زاده

گزارش واره ای از بزرگداشت حسین آهی در انجمن شاعران ایران

شوریده ای همیشه با یک تی شرت ساده

• محمدرضا اسلامی



باریده بود. ساعد باقری در حال سخن گفتن پشت تریبون بود و طنین گرم صدایش تو را می برد به ناکجاآباد خاطرات دم افطار رمضان های دوران نوجوانی. آخر چقدر این صدا گرم است. چرا؟!... دستان حسین آهی آمدند و رفتند و خاطره ای گفتند و یا شعری خواندند. به حسن سلیمه، عکس حسین آهی (با همان تی شرت ساده ای که بار اول دیدیمش و این سؤال را ایجاد می کرد که شاعر سالک و تی شرت؟! بر روی میزی بیرون سالن در میان گل و بر پشت تریبون، نشسته بود.

عبدالجبار کاکایی سخن گفت. صدایش بوی سحرهای رمضان ۱۳۸۱ را می داد. (راستی چرا دیگر این صدا را نمی شنویم؟ کجاست این عبدالجبار؟!...)

حسام الدین سراج، خواند. چه پرطنین. اسماعیل امینی سخن گفت، به آرامش و ادب. روزگاری شد که در میخانه خدمت می کنم!

صحبت های سهیل محمودی در یک نکته برایم بسیار جالب بود. سهیل گفت که آهی را از زمانی که «بن آهی» خطابش می کردند

پنجشنبه ۱۰ مرداد، عصر همان روز خاکسپاری زنده یاد حسین آهی، انجمن شاعران ایران مراسم بزرگداشت او را به شکلی برانده و در شأن نام و خلوص این شاعر و ادیب ارزشمند کشورمان برگزار کرد.

پس از حدود پنج سال دوری از کشور، در اولین ساعات ورود به این آب و خاک، خبر رفتن این آشنای طریق مستی و مستوری، آه از نهادم بلند می کرد. سالها به گرمی صدایش و به شوریدگی در اجراهایش و خلوص در کلامش اخت شده بودیم و این رفتن، زود هنگام بود. هنوز مشتاق بودیم که شرح غزل حافظ برایمان بگوید و با همان وسواسی که در سخن گفتن داشت، از مولانای بزرگ برایمان قصه ها برشمرد. مراسم مذکور، فرصتی و بهانه ای بود تا جمعی از دوستدارانش مجلسی «فراتر از یک مجلس ختم» برایش برگزار کنند و حکایت این تعبیر را به خاطر نشانند که: «به آیین مستان بریدم به خاک».

ادبیات و اقتصاد!

روزگار ما، روزگاری است که انگیزه ها و حرکت ها و تکاپوها و شوق ها، عمدتاً بر یک پایه استوار و برقرار گردیده و آن «انگیزه های اقتصادی» است. هر کسی و هر صنفی می کوشد تا از تخصصش و دانشش به قدر وسع، «تولید ثروت» کند.

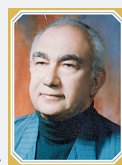
بی آنکه منتقد این ماجرا باشیم، مادر خاطرم آن باید بماند که هنوز هستند گروه های قلیلی که پایه و مبنای حرکات شان و تنفس شان، اقتصاد نیست. نه اینکه معیشت اینها «فرشته مسلکانه» است و بی نیاز از پول؛ خیر! ولی در تنفس این جماعت، بیش از آنکه «اقتصاد» حاضر باشد، «سلوک» حاضر است. حی و حاضر. تمام قد! و حسین آهی، از این جماعت بود.

مجلسی برای آهی

می گوید: «به صحرا شدم، عشق باریده بود». پنجشنبه عصر، خسته و خواب آلوده از سفر طولانی به خانه شاعران ایران شدم، عشق



دوستانی بهتر از آب روان
خاطرات من و سهراب



دکتر حبیب الله مساعتی ۲۷

یکی از آنها با عنوان «معلم نقاشی ما» شرح وصفی از پدرم که معلم نقاشی دوره دبیرستان سهراب بود، به چشم می خورد. در این مقاله چند نکته چشمگیر وجود دارد:

اولاً؛ وصف احوال جسمانی و روانی معلم را به بهترین و صادقانه ترین نحو بیان کرده است و این نشانه دقت و تیزبینی وسیع اوست. ثانیاً؛ این مقاله سالها بعد نوشته شده و حاکی از حافظه بسیار نیرومند سهراب است. مطلب را چنان با دقت نوشته که گویی در همان زمان در کلاس درس است و روبروی معلم نشسته و جزئیات را یادداشت می کند.

ثالثاً؛ احترامی که در پایان مقاله نسبت به معلم دیرین خود ابراز داشته، حاکی از روح والا و حس قدرشناسی اوست.

و گرنه «بار درخت علم» این نبود، خط من خوب بود. یعنی در حد شاگرد دبستان. در خط نمره های خوب گرفتم و جایزه ها بردم. اول بار سال دوم دبستان جایزه ام دادند. زنگ خط بود. معلم آمد و سرخطها را نوشت. سرخطها یکی بود: «چور استاد به ز مهر پدر». و ما نوشتیم. خط من چشم معلم را گرفت. مشق مرا رفت نشان مدیر داد.

ظهر دور حیاط صف کشیده بودیم. هر روز صف می کشیدیم و به صف راهی خانه می شدیم. حیاط مدرسه ما بزرگ بود و آن روز بزرگتر شده بود و ابعادی دیگر داشت. مدیر آمد کنار حوض ایستاد. نفس ها بند آمد. وقتی می آمد، صدا می مرد. مظهر علم و سوادش می پنداشتیم.

از آدم باسواد ما را ترسانده بودند. با اندام درشت، عمامه سفید، ریش سیاه و عباي سوخته هیتی داشت. دستش دفترچه ای بود و دفترچه من بود. شمه ای از اخلاق و رفتار من گفت. از درس و مشق من. از خط خوب من. و خط را بالا گرفت و به هر سو چرخاند تا همه ببینند و هیچ ندیدند. صدایش رسا بود. در سخنوری دستی داشت. هم مدیر مدرسه بود و هم روضه خوان شهر. مرا صدا زد. اسم من دلهره در من ریخت. ترسان و پریشان رفتم پیش مدیر. مرا گرفت. از زمین کند، و بالای سر برد.

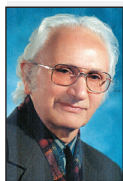
و گفت: «ببینید، صد درم بیشتر وزن ندارد و به این خوبی می نویسد.» مرا روی زمین گذاشت و یک مداد دورنگه - قرمز و آبی - به من جایزه داد. و بچه ها کف زدند... دبستان تمام شد خط هم کنار رفت. دیگر مشق نکردیم. و صریح قلم نشنیدیم. دوات مرکب خشکید. و قلم نی بازارش شکست. فضیلت خط لای کتابها ماند. چیزنویسی جای خوشنویسی را گرفت...

هجوم خودکار ساده نبود. یورش چنگیزی بود. خودکار به همه جا رفت. در کیفها منزل کرد. روی میزها حاضر شد. قلم و دوات از در رفت...

خطاط امروز خطنویس است. خوشنویس نیست. خوشنویس دیروز «مجدوب و اهل حال بود»، «فانی و درویش» بود، از خود گذشته بود. زمانه ما درویش ندارد... به روزگار ما خطاطی سرگرمی است. پریشانی خط طراوت اکنون نیست. غبار خسته سنت است. خط رمز عبادت ندارد. خط نه از سر نیازی به هم می رسد نه در پی حردی. دبستان به سر رسید و من به دبیرستان پا نهادم. حیاط مدرسه دیگر آن نبود، برنامه آن نبود. معلمان دیگر بودند، اما سستی عناصر تعلیم همان بود.

اگر خط در برنامه نبود رسم و نقاشی بود. نقاشی فکر و ذکر من شده بود. هر فراغتی را نقاشی گرفته بود. تازه مداد کنته آمده بود.





خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی در
عرصه آواز و موسیقی

يك عمر خاطره

۱۲۵

و اما در میان این انجمن‌ها، یک انجمن غیررسمی - خودمانی - بی‌نام هم بود که هر هفته در شب‌های جمعه در خانه کوچک و با صفای دائمی، بنده، شاعر و محقق معاصر، حسین پرتویبضائی واقع در محله قدیمی سنگلج کوچه طباطبائی تشکیل می‌شد و شاعرانی ارجمند و مشهور، همچون احمد گلچین معانی، صابر همدانی، رهی معیری، هادی رنجی، کاظم رجوی، عباس فرات‌یزدی، سرهنگ رشیدیپور، مهدی سهیلی، رضا صمیمی و نورسیدگانی مانند بنده و تورج نگهبان، هاشم محبوب، مصطفی مؤده و ... به‌طور مرتب در این محفل شرکت می‌کردند، می‌زدند و صدای‌ای هم در کار نبود و همه روی قالی بافت جوشقان کاشان می‌نشستند و فقط یک صندلی برای نشستن سرهنگ رشیدیپور که اندامی فربه داشت و نشستن به سبک سنتی - چهار زانو - برایش مقدور نبود، اختصاص داشت.

یکی از اعضا همیشگی این محفل، شادروان استاد عباس فرات‌یزدی، شاعر و طنزپرداز مشهور بود که گذشته از سه چهار غزلی که صبح آن روز در فاصله بین منزل ایشان تا وزارت جنگ - فرات کارمند اداری وزارت جنگ بود - واقع در محوطه باغ ملی نزدیک عمارت شهربانی، سروده بود و قرائت می‌کرد، اشعار و لطیفه‌ها و داستان‌های طنزآمیزی نیز به صورت نظم و نثر بیان می‌کرد که واقعا باعث شور و نشاطی فراوان در آن محفل می‌گردید و اینک چند لطیفه و شعر را که از آن گرمی شاعر ارجمند به خاطر دارم برای شما می‌نویسم:

باشد میان زاهد و ما فرقی اندکی
او ساخته به نان جو و ما به آب‌جو
در موسم گل باده فراوان می‌خور
با مردم بخرد و سخن‌دان می‌خور
از عابد آرمنی می‌ناب بگیر
در گوشه باغ با مسلمان می‌خور!

عاشق

دلاده‌ای از چشم پُر آیت پیداست
جان سوخته‌ای، ز التهابت پیداست
زنجیر سَر زلف بتان می‌طلبی
دیوانه‌ای، از حال خرابت پیداست

معشوق

افسونگری از زلف سیاهت پیداست
عاشق کشی از تیرنگاهی پیداست
روز همه را چو شب سیه خواهی کرد
از پرتو رخسار چو ماهت پیداست

پیر مغان به رتبه پیغمبری رسید
چون اهل قیل و قال نبود، ادعا نکرد

رفتم درون میکده دیدم که شیخ شهر
گردن شکسته، گردن مینا شکسته است

معراج

آن زمان که پیامبر بر بال جبرئیل به معراج صعود فرمود،
در آسمان هفتم فرشته‌ای به صورت یک ورزشکار تنومند را
دید که چماقی قطور به طول صدها متر در دست گرفته و آن
را بلند کرده و آماده فرو کوفتن بر صفحه‌ای مُدور و پولادین
- همچون علامت و نشانه کمپانی فیلم‌سازی (آرتور رانگ) -
مقابل خود به پهنای چندین فرسخ است.
حضرت چگونگی قضیه و مأموریت آن فرشته را از
جبرئیل سؤال فرمود. جبرئیل پاسخ داد:

که این، علامت آن است که اگر عالمی متدین در روی
زمین، سوری داد، این فرشته با قدرت تمام با آن گُرز ضربه‌ای
به آن صفحه مُدور می‌زند که صدای رسای آن در عرش و
فرش خداوند می‌پیچد و ساکنان زمین و آسمان از عمل خیر
آن عالم با خبر می‌شوند ...



• سید رضا صائم

مادرانگی و شاعرانگی؛ تصویری دلنشین از یک زوج سالمند

گلاب آدینه و شمس لنگرودی در دوباره زندگی

دو بازیگری که تمام بار معنایی و پیچیدگی‌های آن را بر دوش دارند. اگرچه قصه از حیث رخداد، التهاب بیرونی ندارد و لذا با موقعیت‌های پر تنش و کنش‌های مواجهه نیستیم، اما با نوعی تعلیق درونی و فراز و نشیب‌های رفتاری و عاطفی در آن مواجهیم که می‌توان آن را از طریق رمزگشایی از بازی‌ها بازنمایی کرد.



در این فیلم با گلاب آدینه‌ای مواجهیم که اگرچه همان سوبه‌های مادرانگی همیشگی را با خود دارد، اما شخصیتی درون‌نگرا و آرام دارد که نشانه‌ای از جنب و جوش زیر پوست شهر و بی‌قراری‌های مهمان‌امان در آن نیست. شاید همین تصویر ذهنی از آدینه، متفاوت بودن او در نقش ریحان در «دوباره زندگی» را پررنگ‌تر می‌کند و مختصات کاراکتر را با منطق روانشناختی قصه هماهنگ می‌سازد. آدینه با کنترل بدنی بر بازی‌های بدنی خود و نگاه غم‌زده‌ای که دارد، به ریحان هویتی متمایز از

«دوباره زندگی» به عنوان نخستین فیلم بلند رضا فهیمی است که پیش از این فیلم کوتاه «کودکان ابری» او جوایز بسیاری را از جشنواره داخلی و خارجی دریافت کرده بود. «دوباره زندگی»، قصه مرد و زن میان‌سال است که قصد رفتن به خانه سالمندان را دارند، اما دست‌روزرگار آنها را مجبور به ادامه زندگی در کنار یکدیگر می‌کند.

فارغ از قصه فیلم و حال و هوای غمناکی که دارد، دوباره زندگی از آن فیلم‌های حال خوب کن است. شاید بخشی از این ویژگی به حضور گلاب آدینه و شمس لنگرودی به عنوان بازیگران اصلی فیلم برمی‌گردد که یکی به عنوان نماد مادرانگی و دیگری نماد شاعرانگی به روایت زندگی می‌پردازند. روایتی که از تداوم جریان زندگی حرف می‌زند. «دوباره زندگی» بخش عمده‌ای از تم و مضمون خود را مدیون دو بازیگر اصلی خود است.





خوانش «انقلاب - سروده» ای از نغمه مستشار نظامی

شناسنامه تاریخ عاشقی

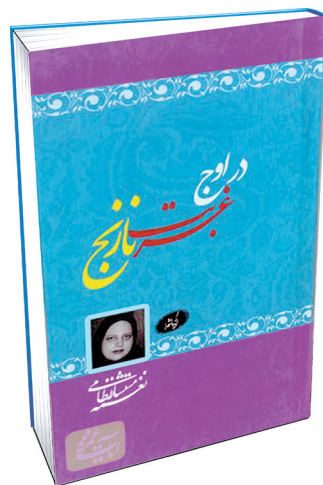


● رضا اسماعیلی

این راه با حمایت ایمان ادامه یافت
این راه با امامت دل انتخاب شد
شاعر در بیت بعدی، انقلاب اسلامی را «شناسنامه تاریخ عاشقی» می‌نامد. این اشاره نیز اشاره ای منطقی بر یک واقعیت و یا به تعبیر درست تر «حقیقت» تاریخی است. وبه درستی باید از انقلاب اسلامی به عنوان یک «رئس‌الاسلام» در عصر حاضر نام برد. چرا که از نقطه اوج تاریخ و فرهنگ اسلامی - قرن چهارم - بیش از هزار سال می‌گذرد. حاکمیت جمهوری اسلامی هزار و چهارصد سال بعد از ظهور اسلام، واقعه ای بی نظیر در تاریخ جهان اسلام است. از همین رو تعبیر «شناسنامه تاریخ عاشقی» فقط یک تعبیر شاعرانه صرف و مبتنی بر تخیل شاعرانه نیست، بلکه ریشه در حقیقتی تاریخی و واقعی دارد:
نامش شناسنامه تاریخ عاشقی است
مردی که در شب‌آشای پلدا شهاب شد
بیت بعدی غزل نیز غزلی از علامه اقبال لاهوری را در ذهن تداعی می‌کند:
معمار دین، امام خمینی که هر بتی
با دست های سبز خلیش خراب شد
غزل معروف اقبال با مطلع:
چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما
تا این که به بیت زیر می‌رسیم:
می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
دیده ام از روزن دیوار زندان شما
امام خمینی، همان مردی است که علامه اقبال از او یاد می‌کند: «خمینی بت شکن». و چه پیشگویی زیبا و دلنشینی. در واقع بیت مورد اشاره خواهر شاعر مستشار نظامی، پاسخی به بیت شگفت علامه اقبال و شهادتی بر درستی پیشگویی آن مصلح بزرگ است. پایان بندی غزل نیز زیبا و هنرمندانه است. فلاش بکی دیگر به پانزده خرداد و یادآوری مجدد این نکته که مبدأ این اقیانوس بیکران، پانزده خرداد است:
آن خاطرات روشن و آن روزهای سرخ
در عکس های نیمه خرداد قاب شد
جان کلام آن که مستشار نظامی در این غزل با صلابت - با ایجاز تمام - به خوبی تاریخ انقلاب اسلامی را برای نسل آینده بازسازی و بازخوانی کرده است. این غزل، نمونه ای قابل ستایش در ژانر شعر انقلاب اسلامی است. شعری که هم «موضوع» و هم «موضوع» آن انقلابی است - والاسلام.

می‌آید. این همذات پنداری شاعرانه، لذت معنوی شیرینی در جان خواننده می‌ریزد و او را به سرفصل انقلاب - پانزده خرداد - می‌برد تا با چشم جان به تماشای فراز و نشیب های انقلاب اسلامی بنشیند:
عشقی که قطره قطره به قلب زمین رسید
مهری که ذره ذره غزل های ناب شد
زمانی که حضرت امام در پانزده خرداد سال ۴۲ مورد غضب حاکمیت قرار گرفته و حکم تبعید ایشان صادر می‌شود، در بین راه یکی از ماموران با تمسخر از ایشان می‌پرسد:
«پس یاران شما کجا هستند که امروز به کمک شما بیایند؟» و امام در جواب می‌گوید:
«یاران من در گهواره اند.» و دقیقاً این پیشگویی در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام مردمی و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به ثمر می‌نشیند. بیت دوم غزل نیز به خوبی روایتگر این فراز از تاریخ انقلاب است. عشقی که در طول ۱۵ سال، قطره قطره به بار می‌نشیند و به غزل ناب انقلاب اسلامی تبدیل می‌شود:
خون هزار عاشق اگر ریخت بر زمین
گل واژه های سرخ دمید و گلاب شد
این بیت، بی‌اختیار تصنیف انقلابی و معروف شاعر عصر مشروطه «عارف قزوینی» را در اذهان تداعی می‌کند و انسان را به یاد اسطوره «سیاوش» می‌اندازد:
از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
این تداعی معنایی، برای غزل، به ارزش افزوده ای می‌ماند که جمال و جلال شعر را در نگاه مخاطب دوچندان می‌کند و هر ایرانی میهن دوست را به خواندن ادامه آن تهییج و تحریص می‌کند. بهره گیری زیرپوستی و غیرمتکلفانه از آرایه ادبی «مرعات نظیر» نیز در این بیت، شاعرانگی آن را به اوج رسانده است. ضمن این که شاعر برای نایل شدن به این مقصود در دایره زبان بازی و صنعتگری صرف گرفتار نشده است:
بعد از هزار سال هوا دلپذیر تر
تعبیر خواب آینه ها آفتاب شد
پرهیز از غموض و مغلق گویی و پاسداشت طبیعت صمیمی زبان، از دیگر محاسن این انقلاب - سروده است. چنان که می‌بینید، بیان شاعر در تمام ابیات سهل و ممتنع و به دور از کژتابی های لفظی و معنوی است. گویی که شاعر، اراده شعر گفتن نکرده و به زبانی ساده و صمیمی دارد حرف می‌زند:

و مضمون اصلی آن «امام» است. در امامیه ها، شخصیت حضرت امام از زوایا و ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد. شعر انقلاب یا «فجریه» نیز به شعری گفته می‌شود که موضوع و مضمون اصلی آن، دمیدن فجر انقلاب است که می‌توان این سروده ها را با عنوان «انقلاب - سروده» مورد بررسی قرار داد.
غزل بالا از نغمه مستشار نظامی که از شاعران پرکار، ظریف اندیش و معناپور روزگار ماست، نمونه ای موفق از انقلاب سروده های شاعران انقلاب است. شاعر در این غزل با تلفیق هنرمندانه «فرم و محتوا»، و در ساختاری نسبتاً روایت گونه، از بیان صرف توصیفی فاصله گرفته و در کنار تجلیل، به «تحلیل» شاعرانه روند تکوینی و سیر تکاملی انقلاب اسلامی پرداخته است:
از روز های نیمه خرداد باب شد
عشقی که عاقبت ثمرش انقلاب شد



شاعر در طلیعه غزل، به درستی و با هوشمندی از پانزده خرداد ۴۲ به عنوان تاریخ تولد انقلاب اسلامی نام می‌برد. این حسن مطلع، بی‌اختیار ما را به یاد غزل معروفی که حضرت امام در باره قیام تاریخی پانزده خرداد سروده است می‌اندازد:
سال ها می‌گذرد، حادثه ها می‌آید
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم
تاثیرپذیری شاعر از غزل حضرت امام - چه به صورت آگاهانه و چه به صورت ناآگاهانه - در این انقلاب سروده، نه ضعف، که یک امتیاز به شمار

از روز های نیمه خرداد باب شد
عشقی که عاقبت ثمرش انقلاب شد
عشقی که قطره قطره به قلب زمین رسید
مهری که ذره ذره غزل های ناب شد
خون هزار عاشق اگر ریخت بر زمین
گل واژه های سرخ دمید و گلاب شد
بعد از هزار سال هوا دلپذیر تر
تعبیر خواب آینه ها آفتاب شد
این راه با حمایت ایمان ادامه یافت
این راه با امامت دل انتخاب شد
نامش شناسنامه تاریخ عاشقی است
مردی که در شب‌آشای پلدا شهاب شد
معمار دین، امام خمینی که هر بتی
با دست های سبز خلیش خراب شد
یک واژه اش هزار غزل بود و خنده اش
مضمون عاشقانه صدها کتاب شد

آن خاطرات روشن و آن روزهای سرخ
در عکس های نیمه خرداد قاب شد
با پیروزی انقلاب در بهمن ماه ۵۷ و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی و تاثیرپذیری شاعران معاصر از شخصیت انقلابی و سلوک معنوی و اجتماعی حضرت امام (ره)، لهجه ادبیات معاصر تغییر کرد و «گفتمان ادبی» جدیدی در حوزه ادبیات معاصر شکل گرفت که این گفتمان برآمده از بطن فرهنگ دینی و انقلابی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و قرآنی بود.
پیروزی انقلاب اسلامی و درک حضور معنوی و با صلابت امام در جامعه، الهام بخش شاعران در خلق و آفرینش آثار ادبی با مضامین جدید شد و گفتمان ادبی ایستاد و انفعالی قبل از انقلاب، تبدیل به گفتمان پویا و انقلابی شد و شعر معاصر در مسیر جدیدی به راه افتاد.
گفتمان انقلابی حضرت امام، باعث گسترده شدن و توسعه مضامین در شعر معاصر شد و پای مضامین جدیدی را به حوزه ادبیات باز کرد. تاثیر حضرت امام بر ادبیات معاصر در دو محور عمده قابل بررسی است: محور مضمون و محتوا و محور «گونه شناسی ادبی». تاثیرپذیری شاعران از شخصیت امام در خلق آثار ادبی، باعث به وجود آمدن گونه های جدیدی در ادبیات معاصر شد که شعر انقلاب (فجریه) و امامیه از جمله عمده ترین این گونه های ادبی است.
«امامیه» به شعری گفته می‌شود که موضوع



● بهارک توسلی

نگاهی به شعر «غراب» سروده «ادگار آلن پو»

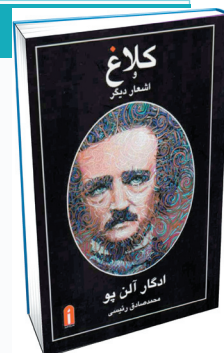
«ادگار آلن پو»؛ هنرمندی پریشان با ذهنی موسیقایی

«تنهایی مرا بی‌خداه باقی بگذارد...»
از تندیس بالای درم برخیز!
نوکت را از میان قلبم بیرون کش و کالبدت را از بالای درم بردار!
نهیب زد غراب: «نه دیگر». و غراب بی‌تکان پر، هنوز نشسته است. هنوز نشسته است. بر تندیس بی رنگ پالاس. درست بالای کتیبه اتاقم. و چشمانش یکسره گویی از آن دیوی است که رؤیا می‌بیند...
ملاقات دانشجوی عاشق دور مانده از عشقش «لنور» با «غراب» است. به شیوه ای زجرآور اما موسیقایی و همراه با ترسیم و تصویر کشی سحرانگیز ایجاد می‌کند که تا پایان خواننده را با خیزشی عجیب به دنبال خود کشانده و به تمامی وقایع ترسیم شده را لذتبخش می‌نمایاند.

می‌سوزد و به سمت جنون می‌رود. غراب بر روی نیم تنه مجسمه اتنا نشسته و «دیگر هرگز» را تکرار می‌کند. و با این کار، اندوه و زجر عاشق را صدچندان می‌کند.
نیمه شبی دلگیر که من خسته و خراب، غرق مطالعه مجلدی عجیب و غریب بودم، از دانش یاد رفتم، در میان سر تکان دادن ها و گاه بخواب رفتن ها، ناگهان انگشتی به در خورد. گویی رپ رپه ای بود. رپ رپه ای نرم که کسی بر در اتاقم می‌زد.
زیر لب گفتم: «مهمانی آمده است» و بر در اتاقم انگشت می‌زند. همین و نه چیز دیگر...
(دانشجو به دنبال صدا به سمت در می‌رود و کسی را در آن ظلمت نمی‌بیند. به درون برمی‌گردد و باز قق الباب می‌شوند. در ادامه، غرابی به اتاق او وارد می‌شود. بی هیچ درنگ و حرمتی ...)

تا ۱۸۳۱ میلادی، در قالب سه مجموعه منتشر شدند. داستان های کوتاه: زوال خاندان اشرف، نقاب مرگ سرخ، و قتل های خیابان سورگ، که خلاقیتی مثال زدنی در آنها دیده می‌شود. او در همان دهه، یعنی ۱۸۴۰ داستان های شگفت انگیز را نوشت و لقب «پدر داستان پلیسی» را از آن خود کرد.
«ادگار آلن پو»، جایگاهی رفیع در ادبیات انگلیسی دارد و آثار او به زبان های متعددی از جمله فارسی ترجمه شده اند. «غراب» یا «کلاغ»، در ژانویه ۱۸۴۵ منتشر شد. این شعر در مایه روایی، حامل روح، فراطبیعی و آهنگین، حاوی ارجاعاتی فولکلور و با ادبیاتی کلاسیک و موسیقایی است. روایتی درباره غرابی سلاخگو که به شکلی بسیار عجیب با یک عاشق ملاقات می‌کند.
عاشقی دانشجوی که از فراق عشقش «لنور»

در نگاهی به اثر «غراب» یا «کلاغ» از اشعار زیبای «ادگار آلن پو» (Edgar Allan Poe) با نام اصلی «ادگار پو» (۱۸۰۹-۱۸۴۹)، نابغه ای آمریکایی از شهر بوستون، که در خانواده ای اسکاتلندی بدنیا آمد. اویی که به عنوان معروف ترین جنایی نویس، شاعر، ویراستار، نویسنده، ژورنالیست و منتقد ادبی بود؛ در آثاری با سبک رمانتیک از او یاد می‌شود. بدین سان او جهانی را با داستان ها و اشعارش شگفت زده کرد. داستان های او بسیار واقعی است و در ژانر وحشت نیز داستان هایی اعجاب آور دارد. نخستین نوشته های وی، بین سالهای ۱۸۲۷

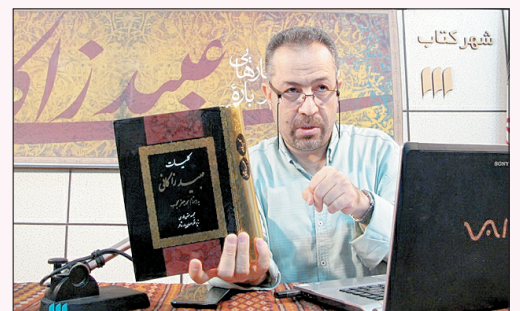


نگاهی به نشست درس‌گفتارهایی درباره عید زاکانی

تیغ تیز و پرخاشگرانه عید

بیست‌وپنجمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره عید زاکانی به بررسی «طنازی‌های باز یگوشانه - پرخاشگرانه عید» اختصاص داشت که چهارشنبه ۹ مرداد با حضور دکتر ابوالفضل حری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

ابوالفضل حری، سخنانش را این‌گونه آغاز کرد و گفت: طنز و طنزآفرینی همواره از جمله ژانرهای جذاب و بحث‌انگیز برای هجو و تسخر گفتمان‌های غالب و فرادستی جوامع محسوب بوده است. طنزآفرینی و طنازی‌های پرخاشگرانه‌ی عید زاکانی علیه گفتمان فرادستی جامعه‌ی سده‌ی هشتم ایرانی پس از حمله مغول و حکومت ایلخانان در این میان برجستگی شاخص‌تری دارد. نگاهی گذرا به این عصر و دوره، از بسیاری از معایب و کج‌رفتاری‌های در سطوح مختلف جامعه خبر می‌دهد و طنز و ابزارهای طنزآفرینی بستری برای هجو و تسخر و گاه اصلاح این زشتی‌ها فراهم می‌آورد. حال، اگر سه گفتمان سیاسی، اخلاقی و مذهبی را از جمله گفتمان‌های فرادستی تأثیرگذار در این سده محسوب کنیم، عید لبه‌ی تیز و برنده‌ی زبان انتقادی، هجایی و پرخاشگرانه‌ی خود را بر این گفتمان‌ها می‌گشاید و برخی چهره‌های شاخص این سه گفتمان و از آن جمله زاهدان سالوس و ریاکار، کوته‌فکران و کوته‌نگران مستبد فرهنگی و اشراف‌زادگان معتقد به اخلاق مختار را از رهگذر شگردهای طنزانه‌ی خود و از جمله تجنیس، کنایه، وارونه‌گویی و نقیصه‌سازی از میان سایر شگردها، به باد انتقاد می‌گیرد و از اریکه قدرت به خاک ذلت می‌نشانند.



ترسیم دبستان فکری و سپهر اندیشگانی

کلیات عید، تصحیح محمدجعفر محبوب، تقریباً کامل‌ترین مجموعه درباره عید است که همزمان با اثر عباس اقبال و کاری که پرویز اتابکی انجام داده، از آثار مهم درباره عید زاکانی به‌شمار می‌آیند. باید به وضعیت دوره و زمانه عید که در سده هشتم می‌زیسته، پرداخته شود. همچنین اینکه چرا عید در این سده ترجیح داده به قبیح‌نگاری، پلیدنگاری و یا زشت‌نگاری به‌پردازد و برای نشان دادن کژی‌های زندگی مجبور می‌شود این نوع نگارش را در برنامه کارش قرار دهد. عیدیی که با حافظ و خواجه کرمانی هم عصر است. حافظ در لفافه‌ای از استعاره فرو می‌رود و رندی و نگاه تلخ خود را با زبان کنایی مطرح می‌کند؛ چه اتفاقی رخ می‌دهد که عید در زمان اکنون خوانده می‌شود؟ آیا تابوها را از روی دلخوشی آورده است و یک نوع قبیح‌نگاری را سطحی در نظر گرفته و یا یک جهان‌بینی پشت آن است؟

عید یک دبستان فکری و سپهر اندیشگانی را ترسیم کرده است. وقتی به گشت و گذار عید نگاه می‌کنیم، وی از قزویں به شیراز حرکت می‌کند. عید آدم جستجوگری است. برخلاف حافظ. عید از اول زندگی یک سیر حرکت و پیشرفت دارد و پیشرفت از امور جد به امور حظ است. این پیشرفت سوالی بزرگ ایجاد می‌کند که چرا این اتفاق می‌افتد؟ آیا این اتفاقی که می‌افتد، از روی دلخوشی این کار را انجام می‌دهد یا یک اندیشگانی پشت ذهن وی وجود دارد؟

جهانی که عید مطرح می‌کند، جهان واژگونه شگفت‌انگیز است. پس از دو قرن قترتی که سراسر ایران را فرا می‌گیرد، زبان فارسی رشد خود را نشان می‌دهد. همراه با حکومت محلی که شکل می‌گیرد و حضور شاعرانی مثل رودکی، دقیقی و فردوسی زبان فارسی و فرهنگ فارسی رشد می‌کند.

نشان دادن زشتی‌های جامعه

آن دوره تاریخی در روزگار مغولان است و حمله مغول به ایران صورت می‌گیرد. کشوری که دو سده بیشتر نیست که از نضج علمی گذشته و رشد پیدا کرده است و سده‌های چهارم و پنجم اوج رشد علمی در ایران است که به دلایل سیاسی و ضعف، حکومت کشور به دست مغولان می‌افتد. مغول دین خاصی با خود وارد ایران نمی‌کند و در جامعه ایران یک هرج و مرج فکری، اعتقادی، اندیشگانی و اخلاقی سراسر ایران را فرا می‌گیرد. در ابتدای سده هشتم که همزمان با زندگی عید است این وضعیت چهره زشتی از جامعه ایرانی ترسیم می‌کند. هنرمندی مثل عید، تصویر را واژگونه

نشان می‌دهد. چگونه می‌شود زشتی‌های جامعه را نشان داد، اگر سراغ سلاح طنز نرویم. چگونه از فساد درباریان و حاکمان و کسانی که در اس جامعه هستند، می‌شود سخن گفت؟ چه زبانی می‌تواند این ویژگی‌ها را نشان دهد، اگر زبان طنز نباشد؟ وقتی نگاه می‌کنیم به روزگار عید، به این سمت متمایل می‌شویم که هیچ ابزاری به جز طنز برای عید نیست. عید برای تصویر کردن جهان، برنامه‌ای دارد و کتاب‌هایی که منتشر می‌کند، همه بخشی از جهان واژگونه‌ای است که در ذهنش است. رساله دلگشا و فالنامه بروج و اخلاق الاشراف از آثاری است که عید به زبان طنز به آن می‌پردازد.

پرداختن به فرداستان و فردوستان

عید در این فضای گفتمانی، تلاش کرده به قدرتمندان در رأس جامعه، فرداستان و هم به فردوستان بپردازد. مشکل فقط فرداستان نیستند، بلکه افرادی که در کف جامعه زندگی می‌کنند نیز از نظر ذهنی پذیرای این مساله هستند. در رساله دلگشا به جامعه فرادستی اشاره می‌کند و هم غافل نمی‌شود از افراد عامی جامعه و این دو را در برابر هم قرار می‌دهد. عید با زبان طنز تلخ و هجو خود، یک شورش علیه هر دو گفتمان دارد. در رساله تعریفات، این وضعیت گفتمان فرادستی را به طرز جالبی و سلسله مراتب جامعه سده هشتم را دسته‌بندی و به تصویر کشیده است.

دسته‌بندی‌های طنز عید را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنیم: طنز سیاسی، طنز اخلاقی و طنز اجتماعی. عید یک نوع زبان رسمی و عربی را به نوعی مورد طنز قرار می‌دهد. او به طرز موجز و طنز سلسله مراتبی که در جامعه آن زمان استیلا پیدا کرده، نقد دارد. وقتی سراغ اخلاق الاشراف می‌رود، نگاه طنز خود را به مغولان دارد. عید تمام افرادی را که جزئی از جامعه هستند، به دستور هولاکوخان، با نگاه طنز مطرح می‌کند. وقتی وارد رساله دلگشا می‌شویم، طنز سیاسی عید را می‌بینیم که از سلطان محمود غزنوی گفته می‌شود و شخصیتی به نام تلخک خلق می‌کند و به جان سلطان محمود می‌اندازد و طنز تلخ خود را بیان می‌کند.

عید را با یک چوب نرانیم!

عید می‌گوید افرادی که راس کار هستند، آگاه نیستند و باز و بندهایی در راس قرار گرفتند. تلخک ممکن است که ساخته و پرداخته عید باشد و شاید از این طریق بستری فراهم کند که طنز از این نظر زمینه‌ای را به وجود بیاورد که گفتمان فردوستی علیه گفتمان فرادستی شورش کند. تلخک و امثال آن مثل بهلول زمینه را آماده می‌کنند تا طنز عید مطرح شود و از این طریق از راس قدرت به زیر کشیده می‌شود و برای خنده به سلطان محمود اشاره می‌کند. هیچ ابزاری برنده‌تر از کلام عید نیست. تلخک که در سنت طنز ایرانی بستری فراهم می‌آورد تا سلطان محمود که نماد ظلم است، مورد طنز و تمسخر قرار بگیرد. وقتی وارد حکایت‌های عید می‌شویم با کف جامعه آشنا می‌شویم و خواندن اشعار عید به ما کمک بسیاری می‌کند. ما نباید عید را با این چوب برانیم که زشتی‌نگاری و قبیح‌نگاری کرده است.

تلخک شخصیت خیالی و ساخته ذهن عید است. عید چرا تلخک را به جان سلطان محمود می‌اندازد؟ در عین حالی که نگاه به سنت دارد و به طرز زیرکانه با اشاره سردمداران خود فرار می‌کند، اما سلطان محمود چه کسی می‌تواند باشد، به جز امیرمبارزالدین؟ عید زیرکانه با اشاره کردن به سلطان محمود که چهار سده از آن گذشته، به زبان طنز داستان‌سرایی می‌کند و به سراغ متولیان امور جامعه می‌آید و سپس از قاضیان و مشایخ و خواجگان سخن می‌گوید. شاعرانی که از یک نظام فکری مشخص تبعیت می‌کنند، اگر نگویند پیامبران عصر خودشان بلکه مصلحان اجتماعی هستند که با پیش‌بینی به جامعه خود می‌پردازند.

عید و برهم زدن نظام معرفتی

عید زنده است؛ چون حرف روز را می‌گوید. این که چه وضعیت منجلاپی در سده هشتم بوده که هم مردم و هم حکومت در این زمینه نقش داشته‌اند. وضعیت نقدی که عید به کاسب‌کاری دینی کسانی می‌پردازد که دین را ابزار کسب درآمد خود قرار می‌دهند و در نمونه‌هایی به صوفیان اشاره می‌کند. عید با نگاه طنز در داستان گربه و موش، به روایت داستان‌ها می‌پردازد و می‌گوید که صوفی آنچه در دل دارد تا آنچه در بیرون می‌بینی، فرق دارد و عید به زیبایی به آن می‌پردازد. انسان‌ها در هر دوره‌ای مطابق با یک نوع معرفت در آن دوره زندگی می‌کنند و به آن دوره سخن می‌گویند، کار عید برهم زدن معرفت و نظام معرفتی است.

آنچه در سده هشتم امری طبیعی می‌دانند، از نظر عید، امر غیرطبیعی است که دست به نگارش اخلاق الاشراف می‌زند و دست به نگارش فالنامه بروج می‌زند. وقتی خرافه جایگزین علم می‌شود، باب فال و فالنامه‌نویسی رواج پیدا می‌کند که در دنیای امروز نیز فال قهوه رواج پیدا کرده و مردم سرنوشت خود را در فال‌ها می‌یابند.

برگ کتاب، کباب برگ!

از فرمایشات ما!



رضا رفیع

بگذارید بحث این نوبت را با این طرح سؤال اساسی آغاز کنم که: اگر جلو روی شما یک پرس کباب برگ بگذارند با یک برگ کتاب؛ شما بدون هیچ‌گونه رودربایستی و فیکور علمی، به کدام یک رغبت بیشتری نشان می‌دهید؟ کباب یا کتاب؟... ما تحقیق کردیم دیدیم که مردم عموماً در این زمینه به ۳ دسته فوری تقسیم بندی و بسته بندی می‌شوند:

دسته اول: کسانی هستند که چون به غذای روح و فکر بیشتر اهمیت می‌دهند، به سمت کتاب گرایش پیدا می‌کنند و در حین مطالعه از گشتگی می‌میرند. عشق مطالعه یعنی این!

دسته دوم: اشخاصی اند که به فضیلت ناهار

اول وقت بیشتر باور دارند و بلافاصله کباب برگ را در می‌یابند؛ قبل از آن که از دهن بیفتد. دست از غذا ندارم تا کام من برآید یعنی این!

دسته سوم: افرادی هستند که به

خیرالامور معتقدند. اول کباب برگ را می‌زنند به بدن؛ سپس به مطالعه برگ کتاب می‌پردازند. با یک تیر، دو هدف را زدن یعنی این!

بنده الاخر و بسیاری از بزرگان دیگر که از سمپات‌ها و مدافعان نظریه سوم هستیم و بر این اعتقادیم که آدمی که مخلوطی هست از آه و دم می‌بایست واقع بین باشد. هم‌هوای شکمش را داشته باشد که از گشتگی و تشنگی سقط نشود؛ و هم مواظب غذای روح و سیر مطالعاتی خود باشد که از نان شب واجب تر است. به خصوص حالا که قیمت نان هم افزایش پیدا کرده است. سالها پیش در همین مکان عزیز، به نقل از عده‌ای محقق اعلام کردیم که زوج‌های ایرانی در طول شبانه روز فقط ۱۷ دقیقه با همدیگر صحبت می‌کنند. ما که دیر زمانی است جهان بینی خود را عمل کردیم و غالباً عادت به خوش بینی داریم، با شنیدن این مطلب همچین گمان کردیم که شاید بخش زیادی از اوقات شریف زوج‌های خوشبخت ما، به غیر از بلوتوث بازی، صرف کتابخوانی می‌شود که از قافله اهل کتاب عقب نمانند. غافل از این که خواب دیدیم، خبر باشد.

راههای افزایش مطالعه: آمارهای بالا را عرض کردیم که ما از خدومان درنیاوریم؛ بلکه مدیران و مسؤولانی می‌فرمایند که اکثراً با سرعت ۱۲۰ یا ۱۵۰ کیلومتر در ساعت، دارند در مسیر تعالی فرهنگی می‌دوند. فلذا ما نیز به عنوان یک عنصر فرهنگی شناخته شده، به سهم خود راهکارهایی در این مسیر برای افزایش مطالعه در سطح جامعه ارائه می‌دهیم. باشد که در سرعت دادن به رشد و تعالی فرهنگی کشور، نقش ارزنده‌ای داشته باشیم و کم نیاوریم. عجلاتاً به چند راهکار عنایت بفرمایید:

۱- تبلیغات جدید سازنده: راجع به کتاب، این یار مهربان، زیاد تبلیغ شده؛ اما عموم این تبلیغات قدیمی و دمده است. باید رویکرد جدیدی در این راستا اتخاذ کرد. مثلاً تبلیغی با این مضمون درست کنیم که: «کباب می‌خورم...؟ گفت نخوری، کتاب بخون!».

۲- کاهش قیمت کباب: از آنجا که شکم گشنه ارتباط تنگاتنگی با عشق به مطالعه دارد؛ فلذا به نظر می‌رسد که با ارزان کردن قیمت تمام شده یک سیخ کباب برگ یا کوبیده با گوجه اضافه، به میزان زیادی بتوان فرهنگ کتابخوانی را بیشتر جانداخت. جا که افتاد، می‌شود دوباره ارزش افزوده کباب را بیشتر کرد تا همه چی هدفمند شود.

۳- قرعه کشی سالانه: بانک‌های کتاب می‌توانند سالانه به بهترین کتابخوان‌های کشور به ارتفاع برج میلاد پول و سکه و ماشین و خانه و ویلا داد. وقتی که از طریق کتاب نوشتن و کتاب خواندن نمی‌شود به طور طبیعی به این چیزها دست پیدا کرد، لهنذا این جوایز بانکی می‌تواند تا اندازه‌ای جبران مافات کند و شوق به مطالعه را به طرز فجیعی افزایش سهمناک دهد.

۴- جایزه گذاشتن لای کتاب: اگر برخی از مردم ما که بانک‌های دولتی آنها را به جوایز گوناگون عادت داده‌اند، بو ببرند که لای برخی از کتاب‌ها جوایزی مثل قاشق طلا و نقره یا نعلبکی و استکان و کارت سوخت و سهام عدالت و امثال ذالک گذاشته اند؛ بیش از همیشه دچار افزایش سیر مطالعاتی می‌شوند و رویکرشان به سمت کتاب به شدت چند ریشتر افزایش پیدا می‌کند. امتحانش مجانی است.

۵- مهریه کردن کتاب: اگر یاد بگیریم که پشت قبالة دخترانمان علاوه بر تمام جهازات و تجهیزات دیگر؛ چند تا کتاب هم به عنوان پشتوانه معنوی و فرهنگی زندگی ببندازیم، یقین داشته باشیم که باعث جلب توجه مردان و زنان عزیز به سمت کتاب و کتابخوانی خواهیم شد. بالاخره خود مردم و سایر اهل کتاب هم باید در این زمینه یک حرکتی از خودشان نشان بدهند یا نه؟... ملت خودش باید مطالعه را جدی بگیرد. دولت بیچاره که با این همه کار و ابتکار و گرفتاری، وقتی برای مطالعه ندارد. مردم نباید فقط سر کتاب باز کردن به قصد تقال بلد باشند. کتاب، استفاده‌های دیگری هم دارد.



